

اتحاد و اختلاف افقها در ثبوت رؤیت هلال

سیر طبیعی ماه و پیدایش شکلهای گوناگون در جرم آن، سبب تقسیم زمان به برهه

های کوچک و بزرگ می گردد: ماه و سال. ماه، در حقیقت تقویمی است در صفحه

طبیعت. خطوط برجسته این تقویم طبیعی، چنان خوانا و گویاست که هر کسی می تواند

آن را بنگرد و اعمال و افعال خویش را مطابق آن تنظیم نماید.

(و قدره منازل لتعلموا عدد السنین والحساب...۱).

بسیاری از تکالیف فردی و اجتماعی، چه واجب و چه مستحب، بستگی به رؤیت هلال

ماه و ثبوت آغاز و پایان آن دارد: روزه ماه مبارک رمضان، عید فطر، وقوف به عرفات

در روز نهم ذی حجه، وقوف در مشعر، در شب دهم ذی حجه، بیتوته در سرزمین

منی، در شبهای یازدهم و دوازدهم ذی حجه، اعمال روز عید قربان و ...

(قل هی مواقیت للناس والحج...۳).

علاوه بر این، ماههای قمری، نقش بنیادی در تنظیم و تعیین اموری چون: مدت ۴

حمل، مدت شیردهی کودکان ۵، زمان یائسگی ۶، عده زنان در طلاق ۷ و وفات ۸، اجرای

حدود الهی ۹، آغاز بلوغ شرعی، زمان تعلق زکات ۱۰ و ... ۱۱ دارند.

همین نقش کار ساز و اساسی ماه در امور معاش و معاد ۱۲ و دین و دنیای مردم، سبب گردیده مسأله رؤیت هلال، در حوزه تفکر اسلامی جایگاه ویژه ای بیابد. فقها، مسائل و فروعی را بر آن مترتب ساخته اند، راههایی را فرا روی مردم قرار داده اند و در کتابهای صوم و حج و یا در رساله های مستقل، به کند و کاو در این باره پرداخته اند.

بسیاری از اعمال و سنت های اسلامی، از جمله فریضه عظیم حج و روزه ماه رمضان، افزون بر جنبه عبادی، جنبه های سیاسی و اجتماعی نیز دارند. امت اسلامی، با برگزاری این عبادات، شکوه و اقتدار اسلام و نیز وحدت و همدلی و همگامی میلیونها انسان مسلمان خاضع در برابر اراده خداوند را به نمایش می گذارند.

ملیتهای مختلف، با ویژگیهای فرهنگی و قومی و نژادی و زبانی گونه گون، در زمان و مکان واحدی گرد می آیند و عظمت و شکوه اسلام را به بهترین و زیباترین وجه می

نمایانند. ولی متأسفانه، گه گاهی، به خاطر ناهماهنگی در ثبوت رؤیت هلال، بر این

مراسم ارزشمند و والا، خدشه وارد می آید و آثار و پیامدهای نامطلوبی در بین ملل اسلامی، به بار می آورد و نوعی سردرگمی و بلاتکلیفی برای مسلمانان، به وجود می آورد. مثلاً، در سال ۱۳۵۸ هـ. ق/ ۱۹۳۹ م. عید قربان در مصر، دوشنبه، در حجاز سه شنبه و در بمبئی، چهارشنبه (با فاصله سه روز اختلاف) برگزار شد.

در سال ۱۳۹۱ هـ. ق/ ۱۹۷۱ م. یکی از مراجع بزرگ تقلید، روز جمعه را عید اعلام

کرد و در همان سال، از سوی مراجع دیگر، روز شنبه، عید فطر اعلام شد ۱۳.

همین گوناگونی رؤیتها و اعلامها، گه گاهی، در مراسم حج و عید قربان رخ می دهد و

مشکلات جبران ناپذیری برای حج گزاران به وجود می آورد ۱۴.

اکنون باید به بررسی پرداخت و منشأ این ناهماهنگی را جست. گوناگونی افقهای

شهرهای اسلامی موجب این ناهماهنگیها شده اند، یا فاصله طولانی شهرهای مسلمان

نشین از یکدیگر؟

اصلاً، معیار در اختلاف افق چیست؟

مرز و حد کشورها، افقها را تقسیم و از یکدیگر ممتاز می سازد، یا نزدیکی و دوری

شهرهای اسلامی؟ مثلاً: اگر در یکی از شهرهای اسلامی، هلال ماه در رؤیت شد، آیا

مردم دیگر شهرها و کشورهای اسلامی، بویژه آنهایی، که در فاصله چند صد کیلومتری

آن قرار دارند، حدود یک ساعت اختلاف افق در طلوع و غروب خورشید، می توانند به

ثبوت هلال ماه آن جا، استناد جویند و هماهنگ با مردمان آن کشور به وظایف عبادی

خویش قیام نمایند؟ یا این که مردم هر منطقه و یا کشوری وظایف خاص خویش را

دارند و ثبوت رویت در شهر و منطقه ای برای غیر اهالی آنها حجیت ندارد. (لکل بلد

رؤیتهم ۱۵) پاسخ به این پرسشها، بررسیهای عمیقی را می طلبد که امید می رود

پژوهشگران و فقیهان به این مهم پردازند. اینک ما، به مقدار توان خویش، در ادله و مبانی فقهی رؤیت هلال به کند و کاو می پردازیم.

پیشینه بحث

رؤیت هلال ماه، از راههای ثبوت آغاز ماه، بلکه مهمترین و طبیعی ترین و ساده ترین

راه است. مردم مسلمان، با هلال ماه رمضان روزه می گیرند و چون هلال شوال را

دیدند، روزه می گشایند و نماز عید به پا می دارند. ولی آیا ثبوت رؤیت هلال، در شهری

برای مردمان همان شهر حجت است یا برای مسلمانان خارج شهر نیز، حجیت دارد؟ در

صورت حجیت، آیا برای همه مسلمانان، در هر شهر و مملکتی که باشند، چه دور و چه

نزدیک، یا تنها برای شهرهای مجاور و هم افق محل رؤیت کار ساز است؟

آیا در شهرهای دور نیز، بین شهرهایی که در جانب شرقی محل رؤیت قرار دارند و

شهرهایی که در جانب غربی، فرقی نیست، یا این که در شهرهای غربی محل رؤیت، حکم

به ثبوت هلال می شود، ولی در شهرهای شرقی آن ثابت نیست.

در این مسأله، فقیهان اسلام، دیدگاههای گوناگونی دارند. مشهور فقهای عامه، به

تعمیم حکم ثبوت هلال به همه بلاد اسلامی نظر داده اند. منتهی برخی از شافعیان و

عکرمه، قاسم و اسحاق نظر گاهی غیر از این دارند. دیدگاه مشهور در بین فقهای شیعه،

اعتبار رؤیت هلال در شهرهای نزدیک و شهرهای هم افق محل رؤیت است و شهرهای

دور، باید به وظایف خاص خویش، در این باره عمل کنند. ولی برخی از فقیهان شیعه، از

جمله: علامه حلی، شیخ یوسف بحرانی و مولی احمد نراقی رؤیت هلال را برای غیر از

شهر و مکان محلّ رؤیت، چه دور و چه نزدیک، معتبر شمرده اند.

نظریه مشهور

گفتیم: بیشتر فقها، رؤیت هلال ماه را در هر شهری، تنها برای مردمان همان شهر و

ساکنان روستاها و شهرهای نزدیک به آن معتبر می دانند.

شیخ مفید (م: ۳۳۶-۴۱۳ هـ. ق) می نویسد:

(و ربّما خفی لعارض أو استتر عن اهل مصر لعلّه و ظهر لغير ذلک المصر، ولكن

الفرض انّما يتعلّق علی العباد به، ان هو العلم دون غیره ۱۶)

و چه بسا به جهت عارضه ای ماه از دیدگان مخفی بماند و یا بر اهل شهری، به

خاطر علتی (مانند: ابر و غبار) پوشیده گردد، ولی برای غیر آن شهر آشکار شود و لکن،

و جوب روزه بر مردمان همان شهر است، زیرا به ثبوت هلال در همان شهر علم داریم و

نسبت به شهرهای دیگر چنین علمی نداریم.

شیخ مفید، در این سخن تصریح می کند که رؤیت هلال ماه در هر شهری، تنها برای

مردمان همان شهر حجیت دارد. زیرا قدر متیقن، ثبوت هلال ماه در همین شهر است.

محقق حلی (م: ۶۰۲-۶۷۶ ه. ق) می نویسد:

(و اذا رؤی فی البلاد المتقاربة كالكوفة و بغداد، و جب الصوم علی ساکنیها اجمع،

دون المتباعدة كالعراق و خراسان، بل یلزم حیث رؤی ۱۷)

هرگاه هلال ماه در شهرهای نزدیک به هم، مانند: کوفه و بغداد، دیده شود، بر

ساکنان آن شهرها، روزه واجب است، ولی در شهرهای دور، چون: خراسان و عراق،

خیر. بلکه هنگامی که هلال ماه در آن جا دیده شد، باید روزه بگیرند.

محقق، بر این نظر است که اگر برای مردمان شهری، رؤیت هلال ثابت شود، برای

مردمان شهرهای مجاور، حجیت دارد و باید بر تکالیفی که به خاطر این ثبوت، برعهده

آنان می آید جامه عمل بپوشند، ولی در شهرهای دور، نظر او، همچون شیخ مفید بر

عدم تعمیم می باشد.

شیخ طوسی (م ۴۶۰-۲۸۵ ه. ق.) در مبسوط، بر همین نظر تصریح دارد. وی در

علت این که چرا شهرهای همجوار، یک حکم دارند، می نگارد:

(و متى لم ير الهلال في البلد و رأى خارج البلد على ما بيناه و جب العمل به اذا كان

البلدان التي رأى فيه متقاربة بحيث لو كانت السماء مصحية، والموانع مرتفعة لرأى في

ذلك البلد ايضاً، لأتفاق عروضها و تقاربها مثل بغداد و واسط و الكوفة و تكريت

والموصل، فأمّا اذا بعدت البلاد مثل بغداد و خراسان و بغداد و مصر، فإن لكل بلد حكم

نفسه، ولا يجب على اهل بلد العمل بما رآه أهل البلد الآخر (۱۸)

هنگامی که هلال ماه در داخل شهر دیده نشود و در بیرون شهر، مطابق آنچه قبلاً

روشن ساختیم، رؤیت گردد، عمل بر طبق آن واجب است، در صورتی که شهرهایی که

ماه در آنها رؤیت شده، نزدیک هم باشند، به گونه ای که اگر آسمان صاف و مانعی در

کار نبود، قطعاً در آنها نیز دیده می شد، زیرا عرض آنها یکی است و نزدیک به یکدیگرند

مانند: بغداد و واسط و کوفه و تکريت و موصل ولی اگر شهرها از یکدیگر دور باشند،

مثل: خراسان و بغداد و مصر و بغداد، پس هر شهری حکم خاص خویش را دارد و بر

اهل شهر واجب نیست به آنچه دیگر شهرها دیده اند، عمل کنند.

شیخ، در نهایت، از شهرهای دور و نزدیک، سخنی به میان نمی آورد، ولی تصریح می

کند: اگر از خارج شهر، دو شاهد عادل، رؤیت هلال ماه را گواهی دهند، کفایت می کند:

(علامة الشهور رؤیة الهلال، ... و متى كان في السماء علّة، و لم ير في البلد الهلال

اصلاً و رآه خارج البلد شاهدان عدلان، و جب ايضاً الصوم (۱۹)

علامت ماهها، دیدن هلال است و هرگاه به خاطر علتی در آسمان، هلال ماه اصلاً رؤیت نشود و دو شاهد عادل، در بیرون شهر آن را ببینند و بدان گواهی دهند، روزه واجب است.

نظیر این سخن را قاضی ابن براج طرابلسی (م: ۴۰۰-۴۸۱ هـ. ق) از معاصران شیخ طوسی دارد. وی، پس از اشاره به راههای ثبوت هلال، رؤیت در خارج شهر و یا شهرهای نزدیک و همجوار را در صورت شهادت دو شاهد عادل کافی می داند و در مورد شهرهای دور می نویسد:

(و اما اذا كانت البلدان متباعدة مثل طرابلس و بغداد و خراسان و مصر و بغداد و فلسطين و قیروان و ماجری هذا المجرى، فان لكل بلد حکم سقعه و نفسه و لا يجب على اهل بلد مما ذكرناه العمل بما رآه اهل البلد الآخر ۲۰)

و اما اگر شهرها دور از یکدیگر باشند، همچون: طرابلس و بغداد و خراسان و مصر و بغداد و فلسطين و قیروان ۲۱ و آنچه بر این ضابطه جاری است، هر کدام حکم خاص خویش را دارد و بر مردمان شهرهایی که یاد کردیم، عمل بر اساس رؤیت ماه در شهر دیگر واجب نیست.

ابن براج، با ملاک دوری و نزدیکی و ذکر نمونه هایی از شهرهای دور و نزدیک، بر این نکته تأکید می ورزد که رؤیت هلال ماه، در هر شهری، تنها برای مردمان همان شهر

و شهرهای نزدیک بدان کار ساز است و ساکنان شهرهای دیگر نمی توانند بر این اساس عمل کنند.

علاوه بر این، ابن حمزه ۲۲ از شاگردان شیخ طوسی، فخرالمعقفین ۲۳، (م: ۶۸۲ - ۷۷۱

ه. ق.)، محقق کرکی ۲۴ (م: ۹۴۰ ه. ق.)، محقق اردبیلی ۲۵ (م: ۹۹۳ ه. ق.)، صاحب

مدارک ۲۶ (م: ۱۰۰۹ ه. ق.)، صاحب ذخیره ۲۷ و ... بر همین نظرند.

محقق در شرایع، بین شهرهای مشرق و شهرهای مغرب، به دور از یکدیگر فرق

نگذاشته است، لکن از رساله (المسائل الطبریة) وی استفاده می شود که: اگر هلال ماه

در شهرهای شرقی رؤیت شود، ثبوت آن برای شهرهای غربی، هر چند دور از یکدیگر باشند، کافی خواهد بود.

در این رساله، از محقق سؤال شده است:

این که گفته می شود: شهرهای دور، هر کدام، حکم خاص خویش را دارد، اگر ماه در

یکی از شهرهای شرقی دیده شد و آن شهر از نظر طول و عرض جغرافیایی به گونه ای

بود که غروب خورشید در آن نسبت به شهرهای دور، در جانب غربی، با حدود یک

ساعت اختلاف، به وقوع می پیوندد، در این صورت به طور مسلم، ماه به فاصله سی

دقیقه و یا کمی بیشتر و کمتر، در جانب شرقی ظاهر می شود، حال اگر ماه در شهر

واقع در جانب شرقی دیده شد، قطعاً باید در شهر واقع در جانب غربی در صورت نبود

مانع, دیده شود, پس چگونه می توان گفت هر شهری حکم خاص خویش را دارد: (فکیف

أطلقوا القول بأن لكل بلد حكم نفسه.)

محقق حلی در پاسخ به این سؤال و در بیان رفع این اشکال می نگارد:

(لا نقول ان لكل بلد حكم نفسه مطلقاً, و كيف والمروى عن الأئمة (ع) ۲۸ انه يجب

الصوم اذا شهد عدلان يدخلان و يخرجان من مصر ۲۹)

ما نمی گوئیم که به طور مطلق, هر شهری حکم خاص خویش را دارد. چگونه و حال

آن که از امامان (ع) روایت شده که هرگاه, دو نفر شاهد عادل به شهری وارد و خارج

می گردند, اگر به رؤیت هلال ماه شهادت دهند, روزه واجب است.

وی آن گاه با اشاره به سخنان شیخ طوسی, می نویسد:

(و هذا يدلک علی ان مع العلم بانّه متی أهلّ فی بلد یعلم أنّه مع ارتفاع المانع يجب أن

یرى فی الآخر, کانت الرؤیة فیہ, رؤیة لذلك الآخر, ما اذا تباعدت البلدان تباعداً یزول معه

هذا العلم فانّه لا يجب أن یحکم لها بحکم واحد فی الأهلّة, لأنّ تساوی عروضها لا یعلم الاّ

من أصحاب الأرصاد و أرباب النجوم, و هو طریق غیر معلوم و لا یحصل به الوثوق,

فلهذا لا یعمل به ۳۰)

از این سخن بر می آید، اگر علم داشتیم به این که: هر گاه هلال ماه، در شهری رؤیت

شد و مانعی از رؤیت هم نبود، قطعاً، در شهرهای دیگر هم رؤیت می شود، در این

صورت، رؤیت در آن شهر به منزله رؤیت در شهر دیگر هم هست. ولی اگر این دو

شهر، دور از یکدیگر بودند، به گونه ای که دیگر علم به رؤیت نبود، بدیهی است که نمی

توان حکم واحدی را در هر دو شهر جاری کرد؛ زیرا تساوی عرض جغرافیایی آنها جز

از طریق رصد خانه و منجمان به دست نمی آید و این، طریق روشنی نیست و موجب

حصول اطمینان نمی گردد و نمی توان بدان عمل کرد.

از پاسخ محقق می توان استفاده کرد که نظر مشهور فقهای امامیه در مورد ثبوت

رؤیت هلال، شهرهای نزدیک و هم افق، بدان جهت بوده که به ثبوت آن در بیش از این

مسافت، مطمئن نبوده اند و استفاده از ابزار نجومی و جداول و زیجها را هم علم آور

نمی دانسته اند. ولی اگر این اطمینان حاصل شود، به نظر آنان، در شهرهای دور از

یکدیگر هم، می توان مانند شهرهای نزدیک به یکدیگر، حکم به ثبوت رؤیت هلال کرد.

نظیر این سخن را شهید اول (م: ۷۳۶-۷۸۶ هـ. ق.)، بعد از نقل سخن شیخ، در مورد

ثبوت حکم برای شهرهای نزدیک، به صورت احتمال بیان می کند:

(والبلاد المقاربه كالبصره و بغداد متحده، لا كبغداد و مصر، قاله الشيخ ۳۱، و يحتمل

ثبوت الهلال في البلاد المغربيه برؤيته في البلاد المشرقيه و ان تباعدت، للقطع بالرؤيه عند

عدم المانع ۳۲)

شهرهای نزدیک [از نظر رؤیت هلال] متحدند. مانند: بغداد و بصره. ولی شهرهای

دور، همچون بغداد و مصر، این گونه نیستند. این سخن شیخ است. و احتمال دارد ثبوت

هلال در شهرهای شرقی، برای شهرهای غربی اگر چه دور باشند، کارساز باشد، زیرا

در صورت نبود مانع از رؤیت، قطع به رؤیت پیدا می شود.

روشن است که این نظر، مبتنی بر جریان حرکت قمر از مغرب به مشرق و خروج

اولین جزء نورانی ماه از محاق در طرف مغرب می باشد که در ادامه بحث به آن اشاره

خواهیم داشت. شیخ بهایی ۳۳، با اشاره به احتمال شهید در درس ۳۴ آن را مبتنی بر

کرویت زمین دانسته است. به این گونه که از وجود هلال ماه در شهرهای شرقی، علم

پیدا می شود که در شهرهای غربی به طریق اولی، وجود دارد.

علامه حلی (م: ۶۴۸-۷۳۶ ه. ق.) در برخی از آثار خود، نظریه تعمیم ثبوت رؤیت

هلال را به همه شهرهای اسلامی مطرح کرده و آن را به برخی علمای شیعه نسبت داده

است.

(اذا رئی الهلال اهل بلد و لم یره اهل بلد آخر، فان تقاربت البلدان کبغداد و الکوفه کان

حکمها واحداً یجب الصوم علیها معاً، و کذا الأفطار و ان تباعدتا کبغداد و خراسان

والحجاز و العراق فلكل بلد حکم نفسه، قاله الشیخ ۳۵ و هو المعتمد و به قال ابو حنیفه و

هو قول بعض الشافعیه و مذهب القاسم و سالم و اسحاق و قال بعض الشافعیه، حکم

البلاد کلها واحد، متى رئی الهلال فی بلد و حکم بانّه اول الشهر کان ذلك الحکم ماضياً

فی جمیع اقطار الأرض سواء تباعدت البلاد او تقاربت اختلفت مطالعها اولاً، و به قال احمد

بن حنبل و اللیث بن سعد و بعض علمائنا...۳۶)

هرگاه مردم شهری هلال ماه را ببینند و مردم شهر دیگر، آن را نبینند، اگر نزدیک به

یکدیگر باشند، مانند بغداد و کوفه، حکم آنها یکی است و بر مسلمانان هر دو شهر، روزه

واجب است و همین طور افطار [در روز اول شوال]. اگر دور از یکدیگر باشند، مانند:

بغداد و خراسان و حجاز و عراق، هر شهری حکم خاص خویش را دارد. این سخن شیخ

است و مورد اعتماد. و ابوحنیفه و برخی شافعیان، قاسم، سالم و اسحاق نیز، بر این

نظرند. برخی دیگر از شافعیان بر این عقیده اند حکم همه شهرها یکی است. هرگاه، هلال

ماه در شهری رؤیت و حکم به اول ماه شد، آن حکم برای همه نواحی معتبر و جاری

است، چه دور باشند چه نزدیک، هم افق باشند، یا نباشند. احمد بن حنبل و لیث بن سعد

و برخی از علمای ما نیز، همین رأی را دارند.

در این سخن، علامه ضمن تصریح به تعمیم حکم رؤیت هلال به شهرهای نزدیک و

تأکید و تأیید نظر فقهای پیشین، یادآور شده که عده ای از عالمان سنی و نیز برخی از

فقیهان شیعی، به تعمیم نظر داده اند از دید آنان، هرگاه هلال ماه در یکی از شهرهای

دارالاسلام رؤیت شد، در دیگر شهرها، حکم به رؤیت هلال می شود. در منتهی:

(إذا رأى الهلال أهل بلد وجب الصوم على جميع الناس، سواء تباعدت أو تقاربت، و به

قال احمد والليث بن سعد و بعض اصحاب الشافعي ۳۷)

هرگاه اهل شهری، هلال ماه رمضان را دیدند، بر همه مسلمانان واجب است روزه،

چه شهرها، نزدیک به یکدیگر باشند چه دور. و بر همین نظرند، احمد بن حنبل و لیث بن

سعد و گروهی از اصحاب شافعی.

علامه در تحریر ۳۸ نیز این نظر را مطرح ساخته و به صراحت بدان فتوا داده است.

در میان فقهای امامیه، ظاهراً، علامه اولین فقیهی باشد که نظریه تعمیم را مطرح ساخته

و به دفاع از آن برخاسته است. هر چند وی، در کتابهای دیگر خود چون: (ارشاد

الأذهان ۳۹) و (قواعد الأحكام ۴۰) خلاف آن را برگزیده و مطابق نظر مشهور فتوا داده

است. در تذکره نیز آن را به عنوان رأی عده ای از فقهای عامه مطرح ساخته و به برخی

فقهای شیعه نیز نسبت داده، ولی خود، آن را پذیرفته است.

منظور علامه از: (بعض علمائنا)، بدرستی روشن نیست، ولی قدر مسلم، قبل از وی،

در میان فقهای شیعه، برخی بر تعمیم نظر داده اند.

بعد از علامه، فقیهانی که سخن وی را نقل کرده اند نیز، مقصود وی از: (بعض

علمائنا) را در نیافته اند و صرفاً به نقل از وی اکتفا کرده اند.

علامه در منتهی، گرچه به صراحت (نظریه تعمیم) را مطرح ساخته و خود بدان فتوا

داده، ولی در ذیل عبارت ابهامی وجود دارد که ظاهراً مخالف و ناهماهنگ با صدر

عبارت می نماید:

(و بالجمله ان علم طلوعه فی بعض الصفايح و عدم طلوعه فی بعضها المتباعد عنه

فكریة الأرض لم یتسا و حکما هما، اما بدون ذلك فالتساوی هو الحق (۴۱)

خلاصه: اگر علم پیدا کردیم به طلوع ماه در برخی از شهرها و عدم آن در برخی از

مناطق دوردست، از آن جا که زمین کروی است، حکم آن دو [از نظر رؤیت هلال]

مساوی نخواهد بود ولی بدون آن، قول به تساوی، حق است.

از ظاهر این جمله بر می آید، علامه از نظر خود عدول کرده است. ولی برخی، در

توجیه سخن وی گفته اند: حکم به عدم تساوی، در جایی است که علم به عدم طلوع ماه

در بعضی قسمتها داشته باشیم، در صورت علم، از دایره بحث ما بیرون است ۴۲. به

علاوه این که وی، در تحریر الأحكام، به تعمیم فتوا داده است و این می تواند مؤید این نظر باشد. بویژه آن که کتاب تحریر وی، کتاب فتوایی و به منزله رساله عملیه اوست و بعید نیست بعد از منتهی و کتابهای استدلالی دیگر وی نوشته شده باشد.

در تحریر الأحكام می نویسد:

(إذا رأى الهلال اهل بلد وجب الصوم على اهل البلاد جميع الناس سواء تباعدت البلاد

أو تقاربت، والشيخ رحمه الله جعل البلاد المتقاربة التي لا يختلف في المطالع كبغداد

والبصرة كالبلد الواحد و المتباعدة كبغداد و مصر لكل بلد حكم نفسه و فيه قوة... ۴۳)

هرگاه مردم شهری، هلال ماه را ببینند، روزه بر مردمان همه شهرها واجب است، چه

دور باشند و چه نزدیک. شیخ طوسی، شهرهای نزدیک به یکدیگر را، که طلوع و غروب

آنها مختلف نباشد، مانند: بغداد و بصره، در حکم یک شهر قرار داده و برای شهرهای

دوری همچون: بغداد و مصر، هر یک حکمی خاص. در این نظر قوتی است.

علامه در این سخن، گرچه نظر شیخ را، که نظریه مشهور است، قوی می داند، ولی

خود، به صراحت به تعمیم فتوا داده است.

پس از علامه، تقریباً از قرن هفتم به بعد، فقهای شیعه، کم و بیش، نظر وی را در

منتهی و تحریر، تقویت کرده اند. از جمله: نراقی ۴۴ (م: ۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ هـ. ق.) شیخ

یوسف بحرانی (۱۱۸۶ هـ. ق.)، فیض کاشانی ۴۶ و ۴۷... و بسیاری از جمله: شیخ

انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ هـ. ق.) و صاحب جواهر (۱۲۰۰-۱۲۶۲ هـ. ق.)، محقق

اردبیلی (۹۹۳ هـ. ق.) و ۵۱... نظر مشهور را انتخاب کرده اند.

مولی احمد نراقی، تعمیم ثبوت رؤیت هلال را به شهرهای نزدیک مسلم گرفته و بر

آن ادعای اجماع هم کرده است. وی، پس از بررسی نظر علامه در منتهی و توضیحی

درباره وضعیت ماه، می نگارد:

(ثم الحق الذي لا محيص عنه، عند الخبير، كفاية الرؤية في احد البلدين البلد الآخر

مطلقاً، سواء كان البلدان متقاربين او متباعدين كثيراً) (۵۲).

پس سخن حقی که در نزد آگاهان، چاره ای جز قبول آن نیست، کفایت رؤیت هلال

ماه در شهری برای شهر دیگر است، خواه آن دو شهر به هم نزدیک باشند و یا بسیار

دور.

بر همین نظرند: شهید محمد باقر صدر (۵۳)، آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری (۵۴) و آیت

الله خویی (۵۵) شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر، اگر چه نظریه مشهور را برگزیده،

ولی به تعمیم متمایل شده و آن را تقویت کرده است: (فالوجوب حينئذ على الجميع مطلقاً

قوی (۵۶))

شیخ انصاری، همچون صاحب مستند، ثبوت هلال را در شهرهای نزدیک، مسلم می

داند، ولی نسبت به شهرهای دور معتقد به عدم تعمیم حکم است:

(و هل یثبت للبلاد المتباعدة مطلقاً كما عن موضع من المنتهى ۵۷ والتحیر ۵۸ و عن

التذکره ۵۹ حکایتہ عن بعض علمائنا. أو لا یثبت مطلقاً كما عن المحقق فی المعتبر ۶۰

والشرایع ۶۱ والمصنف ۶۲ هنا و فی القواعد ۶۳، و عن الجامع ۶۴ والمسالك ۶۵ و مجمع

الفايده ۶۶ و حکى عن الشيخ ۶۷ و فی المناهل ۶۸، الظاهر انه مذهب المعظم، أو یثبت بشرط

امكان تحققه فيها و عدم العلم بعدم وجدانه فيها، فان علم بعدم وجوده فی الأفق المتباعدة

باعتبار اختلاف المطالع و كروية الأرض، فلا یعمّم حکم ثبوت الهلال و هو المحكى عن

المصنف فی المنتهى ۶۹ والتحریر ۷۰ بعد اختیار القول الأول واستجوده فی المدارك ۷۱ كما

حكى ...)

و آیا اگر هلال ماه، در شهری رؤیت شد، برای شهرهای دور دست ثابت می شود

چنانکه از منتهی و تحریر و از برخی علمای ما، در تذکره حکایت شده است، یا ثابت نمی

شود مطلقاً، آن گونه که محقق در معتبر و شرایع و علامه در ارشاد و قواعد و محقق

کرکی در جامع المقاصد و شهید در مسالك و محقق اردبیلی در مجمع الفایده گفته اند و

از شیخ نقل شده است؟ و از ظاهر مناهل بر می آید که بیشتر فقها بر این نظرند. یا آن

که [برای شهرهای دور] ثابت می شود، به شرط امکان تحقق در آن شهرها و اینکه علم

به عدم وجود آن در آن شهرها نبوده باشد. پس اگر علم به نبود آن در شهرهای دور، به سبب کرویت زمین و نیز گوناگونی آفاق، پیدا شد، حکم به ثبوت هلال، چنین شهرهایی را شامل نمی شود. این نظر از علامه، پس از گزیدن نظر اول، در منتهی و تحریر نقل شده و صاحب مدارک هم، آن را نیکو شمرده است.

شیخ در این سخن، افزون بر نظر مشهور که همانا عدم تعمیم است و نظر علامه و برخی دیگر که معتقد به تعمیم حکم ثبوت به رؤیت هلال به همه بلاد اسلامی اند نظریه سومی را مطرح می کند و آن تفصیل است بین جایی که علم به عدم رؤیت در شهرهای دور وجود دارد و جایی که چنین علمی وجود ندارد. به نظر شیخ، با توجه به کرویت زمین و گوناگونی آفاق، عدم رؤیت آن در شهرهای دوردست محرز است.

مرحوم شیخ، از ذیل عبارت علامه، در تذکره و عبارت وی، در تحریر، این نکته را فهمیده، ولی همان طور که قبلاً اشاره کردیم، نمی توان این را تنزل علامه از نظر خویش تلقی کرد. بویژه در تحریر، پس از فتوا به تعمیم، به قول شیخ در مبسوط ۷۲ اشاره کرده و می گوید: (و فيه قوة ۷۳). به علاوه، در صورتی که علم به عدم رؤیت داشته باشیم، از دایره بحث بیرون است. محقق خوانساری نیز، نظر علامه را به بوته بررسی می نهد و نمی پذیرد و بر این نظر تأکید شرع بر اهمیت وحدت امت اسلامی و توصیه اکید پیشوایان دینی بر تعظیم شعائر الهی و برگزاری با شکوه و عظمت مراسم عبادی

سیاسی، نشان می دهد که شارع مقدس، راضی نیست مسلمانان در امر رؤیت هلال و برگزاری مراسم عید فطر و قربان اختلاف داشته باشند.

است که قول به تعمیم، در میان شیعه قائل معروفی ندارد:

(و بالجمله فالقول بالتساوی بین البلاد مطلقا لیس له قایل معروف منا ۷۴)

خلاصه، قول به تساوی ثبوت هلال ماه، در همه شهرهای اسلامی، چه دور و چه

نزدیک، در بین فقهای امامیه قائل معروفی ندارد.

نظر فقهای عامه

فقهای اهل سنت در تعمیم ثبوت رؤیت هلال به شهرهای دور، اختلاف دیدگاه دارند:

۱. تعمیم.

۲. عدم تعمیم.

آنان که به تعمیم عقیده دارند، فرقی بین شهرهای دور و نزدیک نمی گذارند و ثبوت

آن را برای همه شهرهای اسلامی، حجت می دانند. آنان که به عدم تعمیم باور دارند،

همچون: عکرمه، قاسم، اسحاق و شافعیه، رؤیت را در شهرهای نزدیک به هم، کار ساز

می دانند و در شهرهای دور خیر:

(اذا ثبت رؤية الهلال بقطر من الأقطار، وجب الصوم على سائر الأقطار. لافرق بين

القريب من جهة الثبوت والبعيد، اذا بلغهم من طريق موجب للصوم، و لا عبرة باختلاف

مطلع الهلال مطلقا، عند ثلاثة من الأئمة ... و خالف الشافعيه قالوا: اذا ثبت رؤية الهلال في

جهة وجب على الجهة القريبة من كل ناحية ان يصوموا بناءً على هذا الثبوت، اما اهل الجهة

البعيده فلا يجب عليهم الصوم بهذه الرؤية لإختلاف المطالع (۷۵)

وقتی هلال ماه در یکی از ممالک رؤیت شود، بر مردم سایر ممالک نیز، روزه واجب

است. در این مسأله، فرقی بین شهرهای نزدیک و دور نیست. در صورتی که از راههای

معتبر شرعی رؤیت هلال ماه در شهری به اثبات رسد، برای آنان که در شهرهای دور

هستند نیز، حجیت دارد و موجب روزه است. اختلاف افق، در مسأله رؤیت هلال، بی

هیچ وجه تأثیری ندارد. این نظر سه نفر از ائمه اهل سنت است. ولی شافعیان با این نظر

مخالفت کرده اند و گفته اند: هرگاه رؤیت هلال در جایی اثبات گردد، مردمان شهرهای

نزدیک و هم افق با آن باید روزه بگیرند، اما این حکم، در مناطق دوردست جاری نیست،

زیرا افق همه جا یکسان نیست.

نظیر این سخن را ابن قدامه ۷۶، قرطبی ۷۷، ابن رشد ۷۸، عبدالرحمان الجزیری ۷۹، ابن

عابدین ۸۰ و ۸۱... گفته اند. با این تفاوت که از عبارت ابن قدامه استفاده می شود:

ابوحنیفه نیز مانند شافعیان به عدم تعمیم نظر دارد. برخی، تعمیم را به برخی از شافعیان نسبت داده اند، نه همه آنان.

از عبارت علامه در تذکره ۸۲، که در بخش قبل بدان اشاره شد، استفاده می شود که

ابوحنیفه و برخی شافعیان، با تعمیم مخالفند. قدر مسلم اهل سنت، در مسأله رؤیت هلال

ماه و جواز تعمیم و یا عدم تعمیم آن به دیگر شهرهای دور، رأی واحد ندارند ۸۳.

تفاوتی که در این مسأله بین اینان و شیعه وجود دارد، این که: بیشترینشان بر این

نظرند که وقتی رؤیت ماه در شهری از شهرهای حوزه اسلامی ثابت شد، دیگر شهرها

را هم در بر می گیرد چه، دور و چه نزدیک. اما بیشتر فقهای شیعه بر این دیدگاهند که

خیر در بر نمی گیرد. شافعیان برای اثبات نظر خویش، به روایاتی، که مهمترین آنها

روایت (کریب) است، استناد جسته اند.

خلاصه دیدگاهها

۱. هرگاه در شهری از شهرهای اسلامی رؤیت هلال به اثبات برسد، تکلیفی برای

مردمان دیگر شهرها نیست. تنها بر عهده مردمان همان شهر تکلیف بار می شود. این، از

ظاهر عبارت مفید در مقنعه ۸۴ و برخی فقهای عامه فهمیده می شود. ۸۵

۲. اگر در شهری رؤیت هلال ثابت شود، برای شهرهای همجوار، نیز، کارساز خواهد

بود. بر این نظرند، مشهور فقهای شیعه.

۳. اگر هلال ماه در شهری دیده شود و ثابت گردد، برای دیگر شهرها، چه دور و چه

نزدیک، حجیت دارد. بر این نظرند علامه و عده ای از فقیهان شیعه و بیشتر فقهای اهل

سنت.

۴. شهرهای غربی محل رؤیت هلال ماه، بسان شهرهایی هستند که ماه در آنها رویت

شده است. و اگر در طرف شرقی باشند، در بر نمی گیرد. این نظر را شهید، به صورت

احتمال آورده است.

دیدگاه اول و دوم، یکی است، زیرا از سخن شیخ مفید فهمیده می شود که چون قدر

متیقن از ثبوت هلال ماه، شهر محل رؤیت می باشد، و به بیش از آن علم نداریم، این نظر

را ابراز کرده، ولی روشن است که شهرهای همجوار و نزدیک، یکی هستند و نظریه مفید

نیز شهرهای نزدیک را شامل می شود. افزون بر این تعبیر (اهل مصر ۸۶) در عبارت

شیخ مفید، این مطلب را می رساند، زیرا (مصر) علاوه بر شهر، به معنای ناحیه بزرگ و

شهرستان هم آمده است و طبعاً شامل شهرهای نزدیک هم می شود.

نظریه چهارم نیز که مرحوم شهید به صورت احتمال می آورد و در زمانهای بعد به

صورت یک قول در آمد است و افرادی ۸۷ به آن فتوا داده اند. مخفی نماند که این نظر،

بر اساس علم به ثبوت هلال ماه در بلاد غربی و مبتنی بر مسأله حرکت ماه از طرف مغرب به طرف مشرق است و مورد علم به ثبوت، از دایره بحث ما خارج است. بنابراین، عمده اختلاف در دو قول است، قول مشهور و قول علامه و دیگران.

بر این اساس، اگر هلال ماه، در شهری رؤیت شد، برای شهرهای نزدیک کفایت می کند، در این بحثی نیست و برخی بر آن ادعای اجماع کرده اند. ولی آیا در بیش از شهرهای نزدیک هم حجت است و می توان حکم به ثبوت را به شهرهای دور هم گسترش داد، اختلاف است.

اینک که با اقوال و آرای فقیهان شیعه و سنی آشنا شدیم و همچنین به سیر تاریخی مسأله، می پردازیم به بیان ادله آنان. لکن پیش از ورود به بحث، نکته ای را یادآور می شویم، تا کمکی باشد به روشنی مطلب و آن نکته، بیان میزان و معیار دوری و نزدیکی است. ۸۹. زیرا تعبیرهایی چون: (بلاد متقاربه)، (بلاد متباعده) و نیز (بلاد متحدالأفق و مختلف الأفق) و مانند آن در عبارات فقها فراوان به کار رفته است و تا حدودی مدار بحث بر نزدیکی و دوری می چرخد.

معیار در نزدیکی و دوری شهرها

پیش از این دیدیم که فقها بر اساس نزدیکی و دوری شهرها، فتوا داده اند، ولی

مقصود آنان از نزدیکی و دوری چیست، چندان روشن نیست و ملاک و معیار مشخصی

که بتوان به کمک آن، شهرهای نزدیک را از شهرهای دور، جدا ساخت و نزدیکی و دوری سرزمینها را از یکدیگر متمایز نمود، ظاهراً وجود ندارد.

روشن است که معیارهایی مانند تقسیم بندیهای سیاسی کشورها که بر اساس منافع ملی و ویژگیهای قومی، صورت گرفته است، مورد نظر نیست. بلکه مقصود معیارها و ملاکهایی است که شرع می پذیرد. از کند و کاو، در کتابهای فقهی شیعه و سنی و بررسی آرای فقیهان در این مسأله، به تعریفهای پراکنده ای دست یافته ایم و تعریف مورد اتفاق را اینک عرضه می داریم:

اختلاف در طلوع و غروب خورشید

هر جا دو شهر از نظر طلوع و غروب خورشید متحد باشند و طلوع و غروب خورشید در هر دو شهر همزمان صورت گیرد، آنها را شهرهای نزدیک به یکدیگر (بلاد متقاربه) می گویند و هر جا که اختلاف در طلوع و غروب داشته باشند، به آنها شهرهای دور از یکدیگر (بلاد متباعده) اطلاق می کنند. این ملاک را فقههای شیعه و سنی تأیید کرده اند. شیخ انصاری در این زمینه می نویسد:

(والمراد بالبلاد المتقاربة كما عن المسالك ۹۰ والمدارك ۹۱ والكفاية ۹۲، مالم تختلف

مطالعها، کبغداد و کوفه و نحوهما ۹۳)

مقصود از شهرهای نزدیک آن گونه که از مسالک شهید و مدارک عاملی و کفایه سبزواری استفاده می شود، شهرهایی است که اختلافی در طلوع و غروب خورشید نداشته باشند، مانند: بغداد و کوفه و امثال آن.

علامه، ضمن تصریح به این که در ملاک دوری و نزدیکی و تعیین قاعده مشخص در این مورد، بین شافعیان اختلاف است، می نویسد:

(و بعضهم اعتبر ما قلناه وضبطوا التباعد بان یكون بحيث یختلف المطالع كالحجاز والعراق والتقارب بان لا یختلف كبغداد والكوفة ۹۴)

گروهی از آنان [شافعیان] همان میزانی را که ما پذیرفته ایم، پذیرفته اند: هر جا در طلوع خورشید اختلاف داشته باشند مانند: حجاز و عراق، شهرهای دور به شمارند و هر جا از جهت افق با هم متحد باشند، مثل: بغداد و کوفه، شهرهای نزدیک.

شهید در مسالک ۹۵ نیز با تفصیل بیشتری همین معیار را بیان کرده است و کرویّت زمین و براهین اعتباری را مبین آن دانسته است. بنابراین، در این که از جمله معیارهای تشخیص شهرهای نزدیک از دور، اتحاد و اختلاف افق آنهاست، بحثی نیست، ولی در خود این معیار و تعریف و تحدید آن نظرگاهها تفاوت دارد. به عبارت دیگر، کبرای مسأله روشن است که اختلاف طلوع و غروب معیار نزدیکی و دوری شهرهاست. لکن

اختلاف و عدم آن را از چه راهی می توان به دست آورد، بین اهل نظر اختلاف است. در

این زمینه نیز، مطالبی را ابراز داشته اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. فاصله هزار میل ۹۶:

برخی گفته اند اختلاف در طلوع و غروب خورشید، بر اساس فاصله یکهزار میل

محاسبه می گردد. هرگاه بین دو شهر، مسافت هزار میل (۱۸۴۸ کیلومتر) باشد، بین

طلوع و غروب خورشید در آن دو شهر، به میزان یک ساعت اختلاف افق است.

فخرالمحققین می نویسد:

(فکل بلد غربی بعد عن الشرقی بألف میل، يتأخر غروبه عن غروب الشرقی ساعةً

واحدةً، و انما عرفنا ذلك بار صاد الكسوفات القمرية حيث بدئت فی ساعات اقل من

ساعات بلدنا فی المساكن الغربيه و اكثر من ساعات بلدنا فی المساكن الشرقيه، ۹۷۰۰۰)

پس هر شهر غربی، که مقدار یکهزار میل از شهر شرقی دور باشد، غروب خورشید

در آن جا یک ساعت دیرتر رخ می دهد. ما این مطلب را از رصد کردن ماه گرفتگی ۹۸ به

دست آوردیم، که در شهرهای غربی محل ما [حله در عراق] کمتر و در شهرهای شرقی

آن بیشتر است.

نظیر این سخن را برخی از فقهای دیگر نیز گفته اند. ۹۹.

۲. تفاوت در عرض جغرافیایی بین دو شهر به میزان ۱۵ درجه.

این معیار را برخی از علمای عامه گفته اند. مقصود آن است که اگر فاصله بین دو

شهر به قدری باشد که اختلاف عرض جغرافیایی آن دو شهر به میزان پانزده درجه

برسد، طلوع و غروب در آنها متفاوت است و گرنه، نه. ۱۰۰

۳. فاصله بین دو شهر به اندازه هشت فرسخ شرعی باشد، به طوری که اگر کمتر از

این مقدار باشد، طلوع و غروب آن دو شهر فرقی نمی کند. اگر این مقدار و بیشتر باشد،

اختلاف در طلوع و غروب خورشید، وجود دارد.

این نظر برخی از شافعیان است:

(و قال آخر من الشافعية اذا كان الفصل بين البلدين بمقدار ثمانية فراسخ يكون

التفاوت بينهما في الطلوع والغروب ... ۱۰۱)

برخی از شافعیان گفته اند: هر وقت فاصله بین دو شهر به میزان هشت فرسخ باشد

طلوع و غروب خورشید در آنها تفاوت می کند.

معیارهای دیگری را برای تشخیص طلوع و غروب و اختلاف آنها گفته اند از قبیل:

تساوی و عدم تساوی خطوط طولی و عرضی ۱۰۲ و مقدار بیست و چهار فرسخ

فاصله ۱۰۳، مسافت قصر هشتاد و نه کیلومتر (به عقیده برخی از عامه) و مانند آن، که به خاطر طولانی شدن از ذکر آنها خودداری می کنیم.

بر این اساس، معیارهای تشخیص شهرهای نزدیک از دور، تشخیص اختلاف و اتحاد طلوع و غروب خورشید در آنهاست. هر چند در تشخیص این نیز، رأی واحدی وجود ندارد و فقها، بویژه فقهای عامه، مطالب و راههای گوناگونی را ارائه کرده اند.

امکان رؤیت، با نبود مانع

برخی از فقیهان، ملاک نزدیکی و دوری را در این دانسته اند که هر جا امکان رؤیت، در صورت نبودن مانع، همچون: ابر و گرد و غبار و یا مه غلیظ، وجود داشته باشد، آن جا به حکم همان محل رؤیت هلال است و از شهرهای نزدیک به شمار می روند و هر کجا چنین نباشد، یعنی با فرض نبودن مانع، باز هم امکان رؤیت ماه نباشد، از شهرهای دور به شمار می آیند.

(و متی لم یرالھلال فی البلد و رأی خارج البلد علی ما بینناہ وجب العمل به اذا کان البلدان التی رأی فیھا متقاربة بحیث لو کانت السماء مصحیة والموانع مرتفعة لرأی فی ذلک البلد ایضاً لإتفاق عروضھا و تقاربھا، مثل بغداد و واسط و بغداد و مصرفان لكل بلد حکم نفسه... ۱۰۴)

از این سخن بر می آید، شهرهای نزدیک آن جایی است که اگر آسمان روشن باشد و

مانعی نباشد، در هر دو مورد ماه رؤیت می شود، مانند: بغداد و واسط.

بر اساس این تعریف، که شیخ در مبسوط ارائه کرده است، ملاک نزدیکی و دوری،

امکان و یا عدم امکان رؤیت است و ملاکهایی همچون: مقدار فاصله، اختلاف طول و

عرض، و مانند آن دخالتی ندارند.

نظیر همین سخن را بعضی از فقهای دیگر شیعه، از جمله صهرشتی ۱۰۵ گفته اند.

شیخ انصاری، در این زمینه می نویسد:

(و ربما نسب الى المحقق انه مع العلم بأنه متى رأى فى بلد يعلم انه مع ارتفاع الموانع

يجب ان يرى فى البلد الآخر كانت الرؤية لذلك الآخر و اما اذا تباعدت البلدان تباعداً يزول

مع العلم فانه لا يجب ان يحكم لها بحكم واحد ۱۰۶).

به محقق حلی نسبت داده شده: در هر جا که ماه رؤیت بشود و بدانیم که در صورت

نبودن مانع، در محل دیگر نیز قابل رؤیت است، این دو، در حکم یکسانند و اگر فاصله

بین آن دو سرزمین، به گونه ای باشد که این علم حاصل نشود، در این فرض، حکم در

آن دو یکسان نخواهد بود. [و می توان قول به تعمیم را پذیرفت.] از فقهای اهل سنت نیز،

همین معنی نقل شده است.

سرخسی می نویسد:

(یلزم کل بلد لا يتصور خفاؤه عنهم بلا عارض دون غيرهم ۱۰۷)

سرزمینی که در صورت عدم مانع، ماه را ببینند، با جایی که ماه رؤیت شده است، در حکم یکسانند.

اختلاف اقالیم و تفاوت مناظر

برخی دیگر از فقها، ملاک نزدیک و دوری شهرها را در گوناگونی اقلیمی و اوضاع

آب و هوایی جستجو کرده اند. اینان، بر این نظرند: اگر شهر، یا منطقه ای از نظر اوضاع طبیعی و آب و هوا و مانند آن، از قطعات دیگر زمین و منطقه های دیگر متمایز باشد، به آن اقلیم و یا مملکت و ولایت می گویند. این مقدار فاصله، ملاک دوری و نزدیکی است.

علامه در تذکره این نظر را از برخی از فقهای عامه نقل می کند:

(و قال بعضهم [ان فعیه] الإعتبار بمسافة يظهر بمثلها تفاوته فی المناظر فقد يوجد

التفاوت مع قصور المسافة ... و بعضهم [الشافعیة] من اعتبر اتحاد الأقالیم ۱۰۸)

برخی از شافعیان، ملاک دوری و نزدیکی را مقدار مسافتی دانسته اند که باعث

تفاوت مناظر طبیعی گردد. بنابراین معیار، گاهی سرزمینی که به حدّ مسافت شرعی

برسد، دور است و گاهی کمتر از آن ... و برخی از شافعیان، اختلاف و اتحاد اقلیم را

ملاک گرفته اند.

منزله و مرحله

در روزگاران گذشته که وسائل نقلیه سریع السیر وجود نداشته، مردم به وسیله

حیوانات مسافتهای طولانی را می پیموده اند. به همین جهت، در فاصله های طولانی، بین

راه منازل و فرود آمد نگاههایی وجود داشت که مسافران در آنها به استراحت می

پرداختند. معمولاً به مسافتی که در یک روز و یا کمتر طی می شده، مرحله و منزل می

گفته اند ۱۰۹. غزالی از فقهای عامه، میزان نزدیکی و دوری شهرها را فاصله بین دو

منزل دانسته است:

(و اذا رؤى الهلال ببلده و لم ير بأخرى، و كان بينهما اقل من مرحلتين و جب الصوم

على الكل و ان كان اكثر كان لكل بلدة حكمها و لا يتعدى الوجوب ۱۱۰)

اگر در شهری ماه رؤیت گردد و در شهر دیگری نشود، اگر بین آن دو شهر فاصله

ای کمتر از دو مرحله است، روزه بر همه آنان واجب و اگر بیشتر است، هر کدام از

شهرها حکم خاص خویش را دارد و وجوب [روزه] به دیگر شهرها تعمیم نمی یابد.

افزون بر آنچه اشاره کردیم، برخی از فقها، معیارهای دیگری گفته اند، مانند: فاصله

۴۸ میل ۱۱۱، مسافت قصر ۱۱۲، تقارب عرضی ۱۱۳، یک ساعت ۱۱۴ اختلاف در طلوع و

غروب خورشید و حدود ده دقیقه ۱۱۵ اختلاف در طلوع و غروب. ولی آنچه، بیشتر در

کتابهای فقهی ما، مورد توجه قرار گرفته، همان دو معیار اول و دوم است.

از آنچه در این قسمت گفتیم، نتیجه می گیریم که نزدیکی و دوری شهرها، که مبنای

فتوای بسیاری از فقها قرار دارد، قاعده مند نیست و فقها تعریف و تحدید مشخص و

دقیقی از آن ارائه نکرده اند، بلکه آرای گوناگونی ابراز داشته اند که در جهات مختلف، با

هم تفاوت دارند. کمترین فاصله ای که گفته اند هشت فرسخ یا فاصله زمانی ده دقیقه

اختلاف طلوع و غروب است و بیشترین فاصله ای که گفته اند، یک هزار میل، یعنی ۱۸۴۸

کیلومتر است. گرچه، این گوناگونی آرا، بیشتر در میان فقیهان اهل سنت است و فقهای

شیعه، بیشتر، اختلاف در طلوع و غروب خورشید و امکان و عدم امکان رؤیت را ملاک

تشخیص گرفته اند، ولی همان طوری قبلاً هم اشاره کردیم، خود این دو معیار نیز،

چندان روشن و مشخص نیست و در مورد آن نیز اختلاف است ۱۱۶.

دلایل قائلان به عدم تعمیم

قبلاً گفتیم که مشهور و معروف بین فقیهان امامیه و نیز نظر برخی از فقیهان عامه

آن است که ثبوت رؤیت هلال، در هر شهری، صرفاً برای ساکنان همان شهر و نیز

شهرهای نزدیک به آن، حجت است. به عقیده آنان، مسلمانانی که در شهرهای دور از محل رؤیت هلال ماه، زندگی می کنند، نمی توانند بر آن اساس عمل کنند و با آنان روزه بگیرند و یا عید بگیرند. بلکه آنان بر حسب ثبوت رؤیت هلال ماه، در همان جا باید روزه، و یا عید بگیرند. برای اثبات این نظر، به دلایل و مؤیداتی استناد شده که بررسی می کنیم:

۱. ظاهر آیه شریفه:

(فمن شهد منكم الشهر فليصمه ۱۱۷)

پس هر که در ماه رمضان در حضر باشد، باید روزه بدارد.

از ظاهر آیه شریفه بر می آید که حضور در هنگام ماه مبارک رمضان، وجوب روزه را در پی دارد. در استدلال به آیه شریفه نوشته اند:

(فان الأفق الذی لم یظهر فیه القمر لم شهید فیه الشهر، فلا صوم فیه ۱۱۸)

افقی که هلال ماه، رؤیت نگردد، در آن جا، حضور در ماه رمضان صدق نمی کند. پس در آن جا روزه واجب نیست.

در شهری که ماه رؤیت نشده، نه در خود آن شهر و نه در شهرهای نزدیک و هم

افق آن، در حقیقت ماه رمضان در آن شهر و ناحیه شهر به وقوع نپیوسته است. تحقق

حضور ماه رمضان، به آن است که در افق آن محل، ماه رؤیت شود و یا حداقل با رؤیت در شهرهای هم افق و نزدیک آن و یا در شهرهای شرقی آن هلال رؤیت گردد و از طریق شهادت دو عادل و یا علم بر ثبوت آن، (شهود شهر) محرز گردد. ولی صرف رؤیت در شهرهای دور که هیچ هماهنگی و همسویی با افق آن جا ندارد، نمی تواند حجت شرعی برای استقرار ماه در آن محل باشد. ظاهراً استدلال به این آیه تمام نیست، زیرا آیه در مقام بیان حکم مسافر و حاضر است. هر کس در ماه رمضان مسافر نباشد و حضور در شهر داشته باشد، باید روزه بگیرد. همین را هم بسیاری از مفسران تقویت کرده اند.

مرحوم طبرسی می نویسد:

(و فيه و جهان، احدهما: فمن شهد منكم المصر و حضر و لم یغب فی الشهر، ... و هذا

ما رواه زرارة عن ابي جعفر (ع) ... والثانی: من شاهد منكم الشهر مقيماً فليصم الشهر

بعینه ... والأول اقوی)

و در این [معنای شهد الشهر] دو احتمال است:

۱. هر کس از شما در ماه رمضان، در شهر حضور داشته باشد و غایب نباشد. و این

همان چیزی است که زراره از امام باقر (ع) نیز روایت کرده است.

۲. هر کس از شما، در حالی که در شهر اقامت دارد، ماه رمضان را در یابد، باید همه

آن روز را روزه بگیرد و احتمال اول قوی تر است.

مرحوم طبرسی، در این سخن، مراد از (شهد منکم الشهر) را حضور در شهر در

هنگام ماه رمضان دانسته و این معنی را موافق با روایت شمرده است. نظیر این سخن

را شیخ طوسی در (تبیان) و علامه طباطبائی در (المیزان) نیز آورده اند. گرچه شیخ،

صرفاً به بیان احتمالات اکتفا کرده و خود به صراحت نظر نداده است. ۱۱۹. دیگر این که

بر فرض که (شهدالشهر) وقتی صدق کند که هلال ماه در آن محل و یا شهرهای نزدیک

به آن دیده شود، ولی باز هم نمی تواند مانع از ثبوت ماه در شهرهای دیگر با بینه و

مانند آن باشد و بالأخره بر مدعای قائلان به عدم تعمیم دلالتی ندارد. ۱۲۰.

۲. روایات:

روایاتی که بر عدم تعمیم حکم ثبوت هلال ماه به شهرهای دور، مورد استناد واقع

شده اند چند دسته اند:

الف . روایات رؤیت هلال

ماه رمضان، با رؤیت هلال ماه آغاز می گردد و با رؤیت هلال نیز پایان می رسد،

این معنی در بسیاری از روایات تصریح شده است، از جمله:

(صم للرؤیه و أفطر للرؤیه ۱۲۱)

(صوموا للرؤیه و أفطروا للرؤیه ۱۲۲)

(اذا رأیتم الهلال فصوموا، و اذا رأیتموه فافطروا ۱۲۳)

(لیس علی اهل القبله الا الرؤیه و لیس علی المسلمین الا الرؤیه ۱۲۴)

به این مضمون، روایات دیگری نیز که در میان آنها روایات صحیحه و موثقه هم

وجود دارد، در کتابهای روایی نقل شده است ۱۲۵. مفاد همه این روایات، اجمالاً آن است

که ملاک، در آغاز و انجام ماه، رؤیت هلال است و امر به وجوب صوم، معلق و مشروط

به رؤیت هلال است. پس در افقی که ماه رؤیت نمی شود، ماه رمضان، به وقوع نپیوسته

است. البته در ناحیه های نزدیک محل رؤیت هلال ماه، می شود به ثبوت ماه اطمینان پیدا

کرد، ولی در شهرهای دوردست، خیر. روایات منصرف از شهرهای دور از محل رؤیت

است، زیرا متبادر از تعلیق وجوب به رؤیت، در این روایات، رؤیت در شهر است .

محقق سبزواری می نویسد:

(لأن المتبادر مما علق الوجوب بالرؤیه فیها، الرؤیه فی البلد او ما فی حکمه و ان کان

ظاهر اللفظ العموم ۱۲۶)

متبادر از تعلیق و جوب به رؤیت هلال ماه، در این روایات، رؤیت در همان شهر و یا

جائی که به حکم آن شهر است می باشد. گرچه ظاهر لفظ، عمومیت دارد.

به عبارت دیگر، درست است که روایات (رؤیت)، به طور مطلق، رؤیت هلال ماه را

علامت داخل شدن ماه رمضان و یا ماه شوال دانسته اند، ولی اطلاق آنها از شهرهای

دور از محل رؤیت انصراف دارند و شامل آنها نمی شود ۱۲۷.

در دلالت این دلیل نیز خدشه کرده اند. زیرا دلیلی بر انصراف این روایات به محل

رؤیت هلال ماه و شهرهای نزدیک و هم افق آن، وجود ندارد. بر این نکته، بسیاری از

فقها تصریح کرده اند ۱۲۸.

ب. روایات شهادت به رؤیت

از جمله راههای ثبوت ماه، شهادت به رؤیت هلال ماه است. از روایات فراوانی ۱۲۹

استفاده می شود، اگر بر اثر وجود ابر و یا گرد و غبار و مه غلیظ و ... رؤیت هلال

میسر نگردد، ولی دو شاهد عادل در قسمت دیگری از شهر و یا در بیرون شهر، ماه را

ببینند و بدان گواهی دهند، ماه ثابت می شود.

امام صادق می فرماید:

(و اذا كانت في السماء علةً قبلت شهادةً رجلين، يدخلان و يخرجان من

مصر ۱۲۰)

و اگر در آسمان مانعی از رؤیت هلال باشد، شهادت دو عادل، که داخل شهر و یا

خارج می شوند، پذیرفته است.

دستاوردهای علمی در زمینه نجوم و علوم فلکی و ستاره شناسی نیز نشان می دهد

که با خروج اولین جزء طرف روشن ماه از تحت الشعاع، ماه قمری آغاز می گردد و در

این حالت، هلال ماه در قسمتهای زیادی از کره زمین و تا فاصله ای که اختلاف افق بین

آنها بیش از نه ساعت نباشد و یا به گونه ای نباشد که شب و روز تفاوت کند، برای

مردم قابل رؤیت است.

و همین مضمون، در روایت حبیب خزاعی نیز آمده است. گرچه ظاهر این روایت و

امثال آن، مطلق است و مقید به شهرهای نزدیک نیست، ولی با توجه به فضای صدور

روایات که در آن زمان ورود و خروج افراد به شهر، معمولاً از فاصله های نزدیک بوده

و از شهرهای دور، مبادله چنین اخباری بعید و غیر معمول و بلکه با وسائل آن روز، در

فاصله کم، غیر مقدور بوده است، منظور، رؤیت هلال ماه، در اطراف همان شهر و یا

شهرهای نزدیک و هم افق آن می باشد:

(العاده قاضیه بان الشهاده من اهل بلد قریب کمکه بالنسبه الی المدینه و الکوفه الی

بغداد، و ذلك لأن المسافرة من البلاد البعیده کبلخ و مرو و بخارا الی الکوفه و المدینه،

کانت تطول شهوراً بعد ان مضى شهر رمضان و انصرف الأذهان و توجه الهمم من

الصوم الی امور آخر و لا یسأل أحد احداً عن الهلال و ربّما ینسون اول الشهر انه ای یوم

کان (۱۳۱)

عرف و عادت حکم می کند: شهادت به رؤیت هلال، از شهرهای نزدیکی، همچون: مکه

برای مدینه و یا کوفه برای بغداد باشد. زیرا مسافرت از شهرهای دوری مانند: بلخ و

مرو و بخارا به کوفه و مدینه، چندین ماه طول می کشید. مسافرانی که در بلخ، هلال ماه

را دیده بودند، وقتی به مدینه وارد می شدند، ماه تمام شده بود و ذهن مردم، به کلی از

مسأله روزه داری منصرف و به امور دیگری معطوف شده بود. اصلاً دیگر کسی در

مورد رؤیت هلال از کسی چیزی نمی پرسید. و چه بسا، فراموش کرده بودند که اول

ماه کی بوده است!

بله، این روایت و امثال آن، به نحو مطلق، شهادت به رؤیت هلال را برای ثبوت ماه

کافی می دانند. همچنین روایت صحیحه منصور بن حازم و صحیحه هشام بن حکم، به

طور مطلق، امر به قضای روزه شده است، در صورتی که دو نفر عادل شهادت دهند که

ماه سی روزی بوده و یا روز قبل ماه را دیده اند؛ ولی با توجه به قرائنی که به آنها اشاره کردیم، اطلاق آنان منصرف به شهرهای نزدیک به هم است.

بر این نیز، خدشه وارد شده است، زیرا دلیلی بر انصراف وجود ندارد و نمی توان به

استناد به اموری همچون: کندی مسافرت در آن روزگار و مسائل عرفی دیگری نظیر

آن، بدون در دست داشتن دلیلی روشن، دست از اطلاق روایات برداشت، بویژه در

برخی روایات شهادت، تصریح شده است: (یدخلان المصر و یخرجان.) بر همین اساس،

بسیاری از فقیهان ۱۳۲ دعوی انصراف را مردود دانسته اند. آیت الله خوئی می نویسد:

(و دعوی الإنصراف الی اهل البلد کما نری، سیما مع التصریح فی بعضها بان

الشاهدین یدخلان المصر و یخرجان، کما تقدم، فهی طبعاً تشمل الشهاده الحاصله من

غیر البلد لإطلاقها ۱۳۳).

ادعای انصراف اطلاق روایات به اهل شهر، باطل است. بویژه در بعضی از آنها

تصریح شده است که دو شاهدی که به شهر داخل و یا از شهر خارج می شوند، طبعاً

چنین شهادتی، شامل شهادت از غیر آن شهر و شهرهای دیگر هم می شود، چون مطلق

است.

۳. قیاس رؤیت هلال به طلوع و غروب خورشید.

طلوع و غروب خورشید، در همه شهرها یکسان نیست. هر جایی افقی دارد خاص

خود. در گزاردن نمازهای یومیه و نیز اعمال و دعاهایی که در اوقات مختلف شبانه

روز، در زمانهای خاصی از هفته و ماه وارد شده است، هر کسی باید مطابق با افق محل

خویش، انجام وظیفه کند:

(اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل ۱۳۴)

واضح است که اقامه نماز، از زوال خورشید تا تاریکی شب و یا خواندن نماز

مستحبی غفیله ۱۳۵، در ساعت معینی، در همه جا، گزارده نمی شود، بلکه هر منطقه از

دیاری افقی دارد که ساکنان آن مناطق، باید بدان پایبند باشند.

رؤیت هلال ماه نیز، این گونه است. درست که رؤیت هلال ماه رمضان، علامت آغاز

ماه و وجوب روزه است، ولی همانند نمازهای یومیه، رؤیت هلال برای هر کسی مطابق

همان محلی خواهد بود که آن جا می زید و شهرهای هم افق و مجاور نیز چنین اند:

(والهلال کنصف النهار و نصف الليل والطلوع والغروب، یختلف باختلاف البلدان فیجب

أن تختلف الرؤیة ایضاً، فیحسب الأربعاء فی الصين مثلاً آخر شعبان و فی طنجه ۱۳۶ اوّل

رمضان ۱۳۷).

هلال ماه، همچون نیمه روز و نیمه شب و طلوع و غروب خورشید، به موازات

گوناگونی شهرها، دگرگون می شود پس رؤیت هلال نیز، مختلف می گردد، همان طور

که شب چهارشنبه در طنجه اول رمضان است و در چین آخر شعبان.

به این نکته که هر کس افق خاص خویش را دارد در روایات اشاره شده است.

ابواسامه می گوید: هنگامی که مردم مشغول گزاردن نماز مغرب بودند، برکوه ابو قبیس

بالا رفتم. چون به بالای کوه رسیدم، دیدم خورشید هنوز غروب نکرده، بلکه در پشت

کوه، از نظر مردم نهان مانده است. و این جریان را به عرض امام صادق (ع) رساندم.

امام فرمود:

(و لم فعلت ذلک، بئس ما صنعت، انما تصلیها اذا لم ترها خلف جبل، غابت

أوغارت، مالم يتجللها سحاب او ظلمة تظللها، و انما علیک مشرقک و مغربک و

لیس علی الناس ان یبحثوا...۱۳۸)

چرا چنین کردی؟ بدکاری کردی. آن گاه که خورشید را در پشت کوه ندیدی، نماز

می گزاری خواه نهان باشد یا آشکار. مادام که ابری و یا ظلمتی آن را نپوشیده باشد.

همانا برای تو، مشرق و مغرب خاص توست و مردم حق ندارند تفحص و بحث کنند.

ما، در قسمت اول روایت، بحثی نداریم، زیرا مربوط به بحث ما نمی شود، ولی در

ذیل روایت، امام (ع)، معیاری ارائه دهد، بدین شرح: (هر کسی باید تکلیف خود را بر

و فوقِ افق محل سکونت، انجام دهد. مشرق و مغرب، در همه جا یکسان نیست، بلکه طلوع و غروب خورشید، در جاهای مختلف فرق می کند (۱۳۹۰).

در مورد روزه نیز، همین قاعده جریان دارد. برای هر بلدی، رؤیت در همان جا ملاک است، همان طور که همه مردم در ساعت واحدی نمی توانند افطار کنند و در هر جایی در وقت مشخصی خورشید غروب می کند و موقع افطار می شود، در رؤیت هلال ماه و آغاز ماه رمضان و شوال نیز، این گونه است. امکان دارد در این جا رؤیت شود و اول ماه ثابت شود، ولی در شهرهای دیگر، بویژه شهرهای دور دست، رؤیت نشود و طبعاً اول ماه نیز ثابت نگردد.

شیخ حر عاملی پس از نقل روایت، می نویسد:

(هذا محمول على البلد البعيد لأتحد المشارق و المغارب في المتقاربة ۱۴۰)

این روایت حمل بر شهرهای دور می گردد، زیرا در شهرهای نزدیک، طلوع و غروب خورشید هماهنگ و متحد است.

صاحب وسایل با یادآوری این نکته، در حقیقت، خواسته است این شبهه را رفع کند که تصور نشود، رؤیت هلال در هر شهری، تنها برای مردمان همان شهر حجیت دارد، و نه شهرهای نزدیک و همجوار.

بیشتر فقیهان شیعه و سنی، که نظر به عدم تعمیم رؤیت هلال ماه، به شهرهای دوردست دارند، بیرون آمدن هلال ماه را از محاق، به طلوع و غروب خورشید، قیاس گرفته اند.

آیت الله خوئی، با استناد به همین نکته می نویسد:

(اذا لا نرى أى وجه لاعتبار الإتحاد عدا قیاس حدوث الهلال و خروج القمر عن تحت الشعاع بأوقات الصلوات، أعنى شروق الشمس و غروبها، فكما أنها تختلف باختلاف الآفاق و تفاوت البلدان... ۱۴۱ هكذالھلال)

[برای عدم تعمیم] دلیلی جز قیاس حدوث هلال ماه و خروج ماه از محاق، به اوقات نمازها، یعنی طلوع و غروب خورشید، وجود ندارد. پس همان طور که طلوع و غروب خورشید، در شهرها و افقهای مختلف تغییر می کند رؤیت هلال ماه نیز مختلف است. بیشتر علمای اهل سنت نیز به این دلیل استناد کرده اند، و آن را مورد بحث و

بررسی قرار داده اند ۱۴۲.

پاسخ:

بر این دلیل، اشکال وارد است. قیاس اوقات نماز و امور عبادی که با طلوع و غروب خورشید انجام می گیرد، به طلوع ماه و رؤیت هلال، قیاس مع الفارق است ۱۴۳. هیچ

ارتباطی بین حرکت ماه و طلوع و غروب خورشید وجود ندارد. دلایل این سخن را به تفصیل خواهیم آورد.

البته در سده های پیشین، بسیاری از عالمان از حرکت ماه و خورشید چنین تصویری داشته اند، ولی اکنون بطلان آن روشن است.

آیت الله خوئی، با اشاره به این که نظریه مشهور، دلیلی جز این ندارد، می نویسد:

(ولکنه تخیل فاسد و بمراحل عن الواقع بل لعل خلافه مما لا اشکال فیه بین اهل الخبرة

و ان کان هو مستند المشهور فی ذهابهم الی اعتبار الإتحاد، فلا علاقة و لا ارتباط بین

شروق الشمس و غروبها، و بین سیر القمر بوجه، و ذلك لأن الأرض بمقتضى کرويتها

یکون النصف منها مواجهاً الشمس دائماً والنصف الآخر غیر مواجه كذلك (۱۴۴)

این تصور باطل است و مرحله ها دور از واقع. بلکه اهل خبره، بر خلاف آن اتفاق

دارند. از این روی، هر چند مشهور، برای اثبات نظر خود، به آن استناد کرده اند، ولی

هیچ گونه ارتباط و پیوندی بین طلوع و غروب خورشید و حرکت ماه نیست؛ زیرا کروی

بودن زمین، سبب می گردد که همواره نیمی از آن در برابر خورشید قرار می گیرد و

نیمی دیگر آن قرار نگیرد.

در این سخن، ضمن اشاره به اختلاف حرکت ماه با طلوع و غروب خورشید، به این نکته تصریح شده که قیاس پدیداری هلال ماه در افق و خروج آن از محاق، به طلوع و غروب خورشید و اوقات نماز و عبادات، قیاسی است نادرست.

۴. عقل.

برخی برای اثبات نظر مشهور، به دلیل عقل، تمسک جسته اند. به این بیان تردیدی نیست، تا ماه رمضان داخل نشود، روزه بر مکلفان واجب نمی گردد. تحقق ماه رمضان بستگی به ثبوت رؤیت هلال دارد. صرف دیدن ماه و یا ثبوت آن برای شهرهای دوردست، نمی تواند، در دیگر جاها و شهرها جریان بیاید و تکلیفی بر دوش مردمان آن دیارها نهد و یا تکلیفی را بر دارد. این که برخی گفته اند، حکم به رؤیت، در همه جا جریان می یابد، اول کلام است و دلیل می خواهد.

(و اما العقل فلوضوح ان التكليف المعلق بشيئ لابد و ان يتبع ذلك الشئ، فالتكليف

المعلق بشهر رمضان أو شهر شوال، لابد و ان يتبع هذين الشهرين، والمفروض انه اذا لم ير الهلال في هذا الأفق لم سيّم عرفاً بهذا الشهر والرؤية في افق آخر لا تكفي الا اذا كان هناك دليل والدليل مفقود حسب الفرض (۱۴۵).

روشن است، به دلیل عقل، بایستی تکلیف معلق به چیزی به دنبال آن چیز بیاید. پس

تکلیف معلق به ورود ماه رمضان و یا شوال، ناگزیر باید پس از داخل شدن آنها بیاید. و

فرض آن است، که تا هنگامی که هلال ماه، در افق شهر و دیاری رؤیت نگردد، عرفاً ماه در آن جا داخل نشده است. و دیدن ماه در افقهای دیگر [شهرهای دوردست] کفایت نمی کند، مگر دلیلی داشته باشیم که بر حسب فرض، دلیل نداریم.

فقهای عامه نیز به تعبیرهای دیگری، به عقل استناد کرده اند که مجال ذکر آنها

نیست ۱۴۶.

پاسخ:

ضعف این دلیل، روشن است. زیرا عقل چنین ملازمه ای ندارد. ثبوت اول ماه، منحصر

به رؤیت نیست. راههای دیگر هم وجود دارد. از جمله شهادت دو گواه عادل. این گونه راهها، مطلق اند پس وقتی دو گواه عادل، به رؤیت هلال ماه گواهی دادند، گرچه شهر محل رؤیت، دور باشد، اول ماه ثابت شده است. افزون بر این، همان طور که اشاره کردیم، دلیلی که در رابطه با عدم شمول ثبوت رؤیت ماه به شهرهای دوردست در دست دارند، قیاس

بیرون آمدن ماه از محاق، به طلوع و غروب خورشید است که قیاسی است مع الفارق.

۵. سیره مسلمانان:

از دیرباز، مردمان هر منطقه ای بر اساس افق محل خویش روزه می گرفته اند، یا

عید فطر و قربان را برگزار می کرده اند. البته گاهی، چند نفری از اهل آن شهر، ماه را

می دیده اند و گاه، به خاطر موانع نمی توانسته اند ماه را ببینند، ولی در بیرون آن شهر و یا در شهرها و روستاهای مجاور، ماه را می دیده اند و با شهادت آنان، حکم به ثبوت رؤیت هلال می شده است. پر واضح است که این گواهیها، با نبود امکانات و وسائل سریع و بهنگام، از شهرهای دور، با اختلاف افق بسیار، نبوده است، بلکه از شهرها و روستاهایی بوده که عرفاً، هم افق نامیده می شده اند.

پاسخ:

اولاً، ثبوت چنین سیره ای مسلم نیست.

ثانیاً، سیره ای، حجیت دارد که روزگار معصومان بوده باشد و آن بزرگواران، ردع نکرده باشند. البته این سخن، درست است که در هر منطقه ای، مسلمانان استهلال می کرده اند و مطابق آن عمل، ولی این، بدان معنی نیست که حکم به ثبوت رؤیت هلال به شهرهای دوردست، تعمیم نمی یابد.

مستند این سیره، ظاهراً روایت (کریب) است که درباره آن به بحث خواهیم پرداخت. اگر چنین سیره ای بین مسلمانان رواج می داشت و ریشه در صدر اسلام، چطور، قدمای فقها، مانند: محقق حلی، شیخ طوسی، علامه و... نامی از آن نبرده اند و به آن استناد نجسته اند. افزون بر این، اهل سنت، با این که به روایات کریب، استدلال جسته اند، ولی، از چنین سیره ای سخنی به میان نیاورده اند.

آیا اینها دلیل نمی شود که چنین سیره ای نبوده است؟

۶. اجماع

برخی از فقهای بزرگ، برای (قول به عدم تعمیم) به اجماع تمسک جسته اند، از جمله:

مرحوم نراقی ۱۴۸ و صاحب جواهر ۱۴۹.

پاسخ:

۱. اجماعی که مرحوم نراقی و دیگران از آن سخن گفته اند، اجماع بر عدم تعمیم

ثبوت هلال ماه به شهرهای دوردست نیست، بلکه اجماع بر ثبوت آن در شهرهای مجاور

و نزدیک است. به عبارت دیگر، بین فقها در این مطلب بحثی نیست که ثبوت رؤیت هلال،

در شهری، برای دیگر شهرهای نزدیک و مجاور، حجیت دارد. بحث در حجیت آن برای

شهرهای دوردست است. پس، اجماعی در این مسأله وجود ندارد.

۲. از چنین اجماعی، هیچ یک از بزرگان چون: شیخ طوسی ۱۵۰، محقق ۱۵۱،

علامه ۱۵۲ و... سخنی به میان نیاورده اند.

۳. از عبارت علامه در تذکره استفاده می شود که برخی از فقهای شیعه، نظر به

تعمیم داشته اند. ۱۵۲

۴. مرحوم نراقی، با این که درمسأله ادعای اجماع کرده، نظر به تعمیم دارد. این، نشان

می دهد که منظور وی از اجماعی که از آن سخن به میان آورده، اجماع بر عدم تعمیم نیست.

۷. شهرت:

در آغاز بحث اشاره کردیم: مشهور فقهای شیعه، بر این نظرند که ثبوت رؤیت هلال، به شهرهای دوردست، گسترش نمی یابد. تقریباً تا زمان علامه اکثر قریب به اتفاق فقهای شیعه بر این نظر بوده اند. شاید برخی از این شهرت بخواهند بر اثبات نظر خود که همانا عدم تعمیم باشد، بهره برند.

پاسخ:

اولاً، شهرت فتوایی را بیشتر فقیهان ما، حجت نمی دانند.

ثانیاً، باید دید دلایل آنان که به تعمیم، باور دارند، چیست و دلالت آنها چقدر است و

در برابر آن دلایل، شهرت می تواند ملاک عمل قرار گیرد، یا خیر.

۸. روایت کُریب:

در میان اهل سنت، شافعیان و گروهی، بر این نظرند که ثبوت رؤیت هلال، به

شهرهای دوردست، گسترش نمی یابد. اینان، به روایت کریب استناد کرده اند و آن را

مهم ترین دلیل دانسته اند ۱۵۴.

این روایت، در مجامع حدیثی ما، نقل نشده است. ولی علامه در تذکره ۱۵۵ و

منتهی ۱۵۶ و برخی دیگر از فقهای امامیه ۱۵۷، متعرض آن شده اند. اینک روایت:

ام الفضل، دختر حارث، شخصی به نام کریب را برای انجام کاری نزد معاویه به شام

فرستاد. پس از ورود وی به شام، هلال ماه رمضان در شب جمعه رؤیت شد. مردم

شام، فردای آن روز را روزه گرفتند. کریب، در پایان ماه، به مدینه بازگشت. در این

هنگام بین ابن عباس و وی درباره رؤیت هلال در شام و مدینه گفتگویی صورت گرفته

که کریب چنین گزارش می دهد:

(متی رأیتم الهلال؟ فقلت: رأیناه لیلة الجمعة. فقال: أنت رأیته لیلة الجمعة؟ فقلت: رأه

الناس و صاموا و صام معاویة، قال: لکن رأیناه لیلة السبت، فلا تزال نصوص حتی تکمل

ثلاثین یوماً، أونراه. فقلت: ألا تکفی برؤیة معاویة و صیامه؟ قال: لا. هكذا أمرنا رسول

الله ۱۵۸.)

ابن عباس گفت: چه هنگام هلال ماه را [در شام] دید؟

گفتم: شب جمعه.

گفت: تو خودت شب جمعه هلال ماه را دیدی؟

گفتم: مردم آن را دیدند و روزه گرفتند و معاویه نیز روزه گرفت.

گفت: ولی ما [در مدینه] شب شنبه هلال ماه دیدیم و پیوسته روزه می گیریم تا سی

روز تکمیل شود و یا هلال ماه را رؤیت کنیم.

گفتم: آیا دیدن معاویه ماه را و نیز روزه گرفتن وی، برای شما کافی نیست؟ گفت: نه.

پیامبر خدا این گونه به ما امر کرده است.

از ظاهر روایت استفاده می شود که رؤیت، در هر شهری برای مردمان همان شهر،

حجت است. ثبوت رؤیت ماه در شهرهای دور چون دمشق، نمی تواند ملاک عمل برای

مردم مدینه باشد و با استناد این که ماه در شام رؤیت شده است، روزه بگیرند و یا نماز

عید بگذارند.

پاسخ:

در مورد این روایت چند نکته در خور درنگ است:

۱. اشاره کردیم این روایت، در منابع روایی شیعه وجود ندارد و در سلسله سند آن،

اشخاص بی اعتباری قرار دارند.

۲. اهل سنت، با این که این روایت در منابع روایی معتبر آنان وجود دارد و ترمذی

آن را صحیح می داند، بدان عمل نکرده اند.

ترمذی پس از نقل حدیث می نویسد:

(هذا حدیث حسن صحیح ولكن لا یعمل به ۱۵۹)

این حدیث نیکو و صحیح است، ولی بدان عمل نشده است

۳. دلالت روایت تمام نیست، این که ابن عباس به سخن کریب وقعی نمی نهد، بدین

خاطر است که هلال ماه به گواهی یک نفر، به اثبات نمی رسد، نه این که ثبوت رؤیت

هلال در شام، برای مردم مدینه حجیت ندارد.

علامه در این باره می نویسد:

(لیس هذا دلیلاً علی المطلوب لاحتمال ان ابن عباس لم یعمل بشهادة کریب والظاهر انه

کذلک، لانه واحد ... ۱۶۰)

این رؤیت، نمی تواند دلیلی باشد برای اثبات نظر عدم تعمیم. زیرا احتمال دارد: ابن

عباس، به خاطر این که کریب، در گواهی، تنها بوده، به گواهی وی وقعی ننهاده است.

ابن قدامه، از فقهای اهل سنت، در پاسخ به تمسک جویندگان به روایت کریب می

نویسد:

(فامًا حدیث کریب فائما دل علی انهم لا یفطرون بقول کریب وحده، و نحن نقول

به ۱۶۱)

از حدیث کریب به دست می آید که [ابن عباس و اهل مدینه] به گواهی کریب روزه

نگشودند، زیرا در گواهی تنها بود. و ما هم، همین نظر را داریم.

۴. از ظاهر خبر بر می آید که رؤیت هلال ماه در شام، به دیدن مردمان شام و حکم

معاویة، ثابت شده است. از این روی، ابن عباس با تأکید، از کریب می پرسد: آیا تو هلال

را در شب جمعه دیدی؟ (أانت رأیته لیلة الجمعة)

وی پاسخ می دهد: که مردمان شام دیدند و روزه گرفتند.

در منابع روایی، سخنی از پیامبر و ائمه (ع) در مورد شهرهای نزدیک و دور و مسأله

تعمیم و یا عدم تعمیم رؤیت هلال، وجود ندارد. آنچه هست، در مورد بیان راههای ثبوت

هلال و طرق معتبر شرعی است.

بنابراین، ثبوت هلال ماه در شام، مستند به عمل معاویه است و عمل معاویه حجیتی

ندارد برای ابن عباس و اهل مدینه.

علامه حلی در این باره می نگارد:

(و عمل معاویة لیس حجة، لإختلال حاله عندنا، لإنحرافه عن علی (ع)، و محاربتة له،

فلا یعتد بعمله (۱۶۲).

عمل معاویه، برای ما حجت نیست، به خاطر، واژگونی حال وی در نزد ما برای،

انحراف وی از راه و رسم علی (ع) و ستیز با آن حضرت، از این روی، وقعی به عمل

وی نهاده نمی شود.

۵. بر فرض که از اشکالهای قبلی صرف نظر کنیم، باز هم دلالت روایت، بر عدم تعمیم

حکم ثبوت هلال ماه به شهرهای دور، در خور اشکال است زیرا حداکثر مطلبی که از

روایت به دست می آید، ابن عباس و اهالی مدینه به گفته کریب، روزه نگشودند، ولی آیا

نباید قضا کنند؟ از روایت در این باره چیزی به دست نمی آید:

(... فانه یدل علی انهم لا یفطرون بقول الواحد، امّا علی عدم القضاء فلا (۱۶۳))

بنابراین، خبر کریب هم از نظر سند و هم از نظر دلالت، نارساییهایی دارد و نمی توان

به آن استدلال کرد.

نتیجه دلایل قائلان به عدم تعمیم

در جمع بندی کلی از دلایل قائلان به عدم تعمیم ثبوت رؤیت هلال به شهرهای دور، می توان نتیجه گرفت که ظاهر آیه شریفه و نیز روایات رؤیت و شهادت، دلالتی بر مدعای آنان ندارند. بدون مستند شرعی و دلیل معتبر، نمی توان دست از اطلاق روایات کشید و آنها را انصراف داد به شهرهای همجوار و نزدیک. چنانکه خواهیم دید، قائلان به تعمیم نیز، به همین اطلاقات تمسک جسته اند و به آیه شریفه نیز استناد نموده اند. سیره مسلمانان هم، که بدان تمسک جسته اند، ادعایی بیش نیست و غیر کافی به مقصود. روایت کریب هم از نظر سند و هم از نظر دلالت مورد مناقشه است. اجماع هم، اگر کسی ادعا کند، هم تحقیق و هم حجیت آن روشن نیست. البته شهرت فتوایی بین فقهای شیعه محقق هست. ولی در اعتبار آن، بسیاری تردید کرده اند و آن را حجت نمی دانند. قیاس رؤیت هلال ماه، به طلوع و غروب خورشید هم، که ظاهراً مهمترین دلیل قائلان به عدم تعمیم است، خالی از اشکال نیست و چنانکه خواهیم دید، حرکت ماه و طلوع و غروب آن با حرکت خورشید و طلوع و غروب آن تفاوت دارد.

ادله قائلان به تعمیم ثبوت هلال

گفتیم مشهور فقهای شیعه معتقد به عدم تعمیم اند. در مقابل عده ای از فقها، همچون

علامه ۱۶۴ در برخی از کتابهایش و نراقی ۱۶۵ در مستند، صاحب حدائق ۱۶۶، فیض

کاشانی ۱۶۷، محقق خوانساری ۱۶۸ و عده ای از معاصران ۱۶۹، قول به تعمیم را برگزیده اند. به نظر آنان ثبوت رؤیت هلال ماه، در یکی از شهرهای اسلام برای همه شهرها، چه دور و چه نزدیک، کافی است. در صورتی ثبوت از راههای معتبر شرعی، می توان آن را به همه شهرهای اسلامی تعمیم داد. آنان نیز برای اثبات نظر خویش، به دلایل و مستندات و مؤیداتی استناد کرده اند که در این قسمت، به بررسی آن می پردازیم. ولی قبل از آن لازم است به وضعیت تکوینی ماه و تفاوت آن با طلوع و غروب خورشید که در روشن ساختن مسأله نقش بسزائی دارد، اشاره کنیم و ضمناً، بطلان قیاس هلال ماه به طلوع و غروب خورشید را که از دلایل مهم و بلکه مهم ترین دلیل مشهور بود و قبلاً بررسی آن را وعده داده بودیم، ارزیابی کنیم:

وضعیت تکوینی ماه

ماه، سیاره ای است که از یک سو با خورشید در ارتباط است و از سوی دیگر با زمین. ماه به گرد زمین می چرخد هر دور آن یک ماه قمری: ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه (در مجموع ۷۴۸ ساعت و ۴۴ دقیقه) طول می کشد ۱۷۰. از گردش آن به دور زمین و گرفتن نور از خورشید، اشکال و حالاتی به خود می گیرد که برای زمینیان جالب و سؤال انگیز است: (یسئلونک عن الاهله، قل هی مواقیت للناس ۱۷۱)

همواره، نیمی از کره ماه که به سمت خورشید قرار دارد، روشن و نیم دیگر آن

تاریک است. با پدیدار شدن مقدار کمی از نیمه روشن آن در شب اول ماه، حرکت

اقترانی ماه به دور زمین آغاز می گردد، از مغرب به سوی مشرق. هر چه از محاق

دورتر گردد، بر روشنایی قرص ماه افزوده می شود در فاصله زاویه ای در حدود ۹۰

درجه از خورشید، نیمی از قرص روشن ماه که به آن تربیع اول گویند، قابل رؤیت

است. با زیاد شدن زاویه، نور ماه بیشتر می شود و قسمت بیشتری از طرف روشن ماه

پدیده می شود، تا این که در زاویه ۱۸۰ درجه، تمام نیمه روشن آن مشاهده می شود و

آن را (بدر) می نامند.

از این زمان، سیر ماه به سوی مغرب شروع می شود. هر چه زاویه آن کم شود و به

طرف مغرب نزدیک تر، از نور آن کاسته می گردد، تا این که در زاویه ۹۰ درجه، تربیع

دوم حاصل می شود و کم به کم به جای اولیه خود بر می گردد و دوباره در محاق قرار

می گیرد و به اصطلاح (قرآن نیرین ۱۷۲) می شود.

هنگامی که ماه در محاق است، یعنی شب آخر و یا دو شب آخر ماه، کاملاً تحت

الشعاع خورشید است و از نیمه روشن آن، به هیچ روی بر ما قابل رؤیت نیست. در یک

حرکت کامل ماه به دور زمین، اشکال مختلف و گوناگونی از آن ظاهر می شود که از آن

به منازل قمر یاد می کنند. تعداد آنها را به اعتبار شبهایی که ماه قابل رؤیت است، ۲۸

منزل می دانند و شب ۲۹ و احياناً شب سی ام هم که ماه در محاق است و دیده نمی شود ۱۷۳.

برای روشن تر شدن مطالب فوق و چگونگی اشکال ماه در مسیر حرکت به دور زمین، به این شکل صفحه مقابل توجه کنید:

با خروج اولین جزء طرف روشن ماه از محاق، ماه قمری جدید آغاز می گردد و لبه باریکی از آن به صورت هلال ظاهر می گردد. ولی از آن جا که حرکت ماه از طرف مغرب به مشرق است و خروج اولین جزء طرف روشن آن، در ابتدای حرکت، در ناحیه مغرب، محل غروب خورشید، صورت می گیرد، هلال ماه با چشم عادی و غیر مسلح به سختی دیده می شود زیرا از سویی مدت مکث ماه اندک و زودگذر است و از طرفی پرتو نور خورشید، در فضا پراکنده است و مانع از رؤیت نور ضعیف و کم سوی ماه می گردد.

از نظر علمی، با خروج اولین جزء طرف روشن ماه از محاق، ماه قمری آغاز می گردد، چه هلال آن با چشم عادی رؤیت شود و چه دیده نشود. ولی از نظر شرعی، خروج ماه از محاق به تنهایی کافی نیست و باید هلال آن برای مردم قابل رؤیت باشد ۱۷۵. هر چند معمولاً، با خروج ماه از محاق، هلال آن قابل رؤیت است و اگر موانع طبیعی، مانند: ابر، گرد و غبار، مه و ... نباشد در نقاط گوناگونی از کره زمین، با چشم

عادی، دیده می شود. البته روشن است که هلال ماه، برای همه کره زمین در آن واحد

قابل رؤیت نیست، زیرا وضعیت زمین کروی است و حداکثر در نیمی از آن، امکان

رؤیت نیست، با این حال، مانند خورشید نیست که در هر منطقه ای طلوعی و غروبی

ویژه داشته باشد، بلکه در محدوده نیمکره و تا محدوده ای که اختلاف طلوع و غروب

خورشید، به گونه ای نباشد که شب و روز آن با یکدیگر تفاوت کند، قابل رؤیت است.

اختلاف حرکت ماه با خورشید

می دانیم زمین، از اعمار خورشید است. هر ۲۴ ساعت یکبار به دور خود می چرخد و

سالی یکبار، با فاصله ۳۶۵ روز و با سرعت ۳۰۵۰۰ متر در ثانیه به دور خورشید ۱۷۱.

از حرکت زمین به دور خود و پرتو از خورشید، شب و روز و نصف النهار و نصف

اللیل و ... پدید می آید. بر این اساس، نور خورشید، علی الدوام در قسمتی از کره زمین

غروب و در قسمت دیگری طلوع می کند. افقها و مشرقها و مغربها گوناگونند. هر

سرزمینی افق خاص خویش را دارد و کمتر سرزمینی است که از نظر طلوع و غروب

خورشید، دقیقاً با سرزمین دیگر هم افق باشد.

به موازات همین اختلاف، طلوع و غروب خورشید و تفاوت افقها، اوقات انجام

فرائضی همچون نماز، روزه، افطار، ادعیه و ... با زمان ارتباط دارند. در هر شهری و

منطقه ای مطابق افق همان شهر و هماهنگ با طلوع و غروب همان منطقه، باید انجام

وظیفه کرد. در روایات هم، ظاهراً به همین نکته اشاره شده است. امام صادق (ع) به یکی

از مسلمانان می فرماید:

(... انما عليك مشرقك و مغربك ... ۱۷۷)

یعنی هر مکلفی وظیفه دارد، وظایف شرعی که بر اساس زمان و اوقات شبانه روز،

باید ادا شود، از طلوع و غروب خورشید شهر و منطقه خود پیروی کند.

ولی در ماه چنین نیست. ماه به دور زمین می چرخد و پیدایش طلوع و افول ماه از

نسبتی می باشد که بین آن و خورشید برقرار می شود و همچنین فاصله ای که نسبت

به خورشید پیدا می کند، نه از حرکت وضعی زمین.

از این روی، وقتی هلال ماه در محلی قابل رؤیت شد، گرچه به نحو موجب جزئی،

بدان معنی است که ماه گذشته، تمام و ماه جدید قمری آغاز شده است. ماه، بسان

خورشید نیست که در هر سرزمینی طلوعی داشته باشد و غروبی ویژه، بلکه امری است

وحدانی و گوناگونی سرزمینها، در آن تأثیری ندارد. وقتی اولین جزء طرف روشن ماه

از محاق، خارج شود، ماه قمری آغاز می شود، البته این بدان معنی نیست که ماه در سر

تا سرگیتی همین حکم را دارد و در همه سرزمینها، وقتی از محاق خارج شد، قابل

رؤیت باشد. اگر اختلاف به حدی باشد که در سرزمینی روز و در سرزمینی همان وقت،

شب باشد، دیدن ماه برای هر دو سوی در یک زمان امکان ندارد. بنابراین، با خروج ماه

از تحت الشعاع و رؤیت آن در یکی از شهرهای اسلامی، دیگر شهرها را نیز در بر می گیرد و ماه قمری در همه جا آغاز می شود. فرقی نمی کند که آن شهرها متحدۀ الأفق باشند و یا مختلفۀ الأفق، دور باشند و یا نزدیک. آیت الله سیدعبدالاعلی سبزواری در این باره می نویسد:

(لیلة اول الشهر لیلة خروج القمر عن تحت الشعاع و بروزه الی الأفق فی ایّ افق من آفاق البلاد کان، و هذه اللیلة، لیلة اول الشهر فی جمیع بلاد العالم، بشرطین. الأول اتحادها فی جامع اللیلة بساعات یسیره، الثانی - و هو عبارة اخرى عن الأولى - ان لا یكون بقدر یوم او لیلة، و ذلك لصدق بروز القمر فی الأفق فی الجمیع و خروجه عن تحت الشعاع کذلک ۱۷۸)

شب اول ماه، وقتی است که ماه از زیر شعاع خورشید [محاق] بیرون بیاید و در افق پدیدار گردد. در هر افقی که از افقهای شهرهای اسلامی باشد، فرقی نمی کند و آن شب، شب اول ماه است، در تمام شهرهای جهان، به دو شرط:

۱. همه آن شهرها با تفاوت چند ساعت، در عنوان شب متحد باشند.
۲. (بیان دیگر از شماره ۱) این تفاوت افق، به اندازه یک شب و یا یک روز نباشد. این بدان جهت است که خروج ماه از تحت الشعاع و ظهورش در افق، به همه شهرها صادق است.

پس در محدوده ای که اختلاف افق، به یک شب و یک روز نرسد، رؤیت هلال، برای

همگان ثابت است. هر چند ساعاتی هم اختلاف داشته باشند ۱۷۹.

آنان که تعمیم را نپذیرفته اند و رؤیت هلال را برای شهرهای همجوار و نزدیک

پذیرفته اند، حرکت ماه را به طلوع و غروب خورشید، قیاس گرفته اند که درست نیست.

زیرا ظهور و بروزه ماه با طلوع و غروب خورشید ماهیتاً متفاوت است. آیت الله

سید عبدالاعلی سبزواری با تأکید بر همین نکته می نویسد:

(القیاس مع الفارق، لأن لیلة اول الشهر لو حظت بعرضها العریض المنطبق علی کل بلد

تحقق فیہ عنوان اللیلة مع خروج القمر عن تحت الشعاع و بروزه فی الأفق، بخلاف الظهر

والمغرب، فانهما لو حظا بالنسبته الی کل بلد مع ملاحظه عرضها و طولها و لیس فی البین

عنوان واحد لجميع البلاد کلها فی وقت واحد ۱۸۰)

قیاس طلوع و غروب خورشید، با حرکت ماه، قیاس مع الفارق است. زیرا اول ماه، با

خروج آن از محاق و ظاهر شدن آن در افق، در گستره ای وسیع، هماهنگ در عنوان

شب، در همه شهرها تحقق می یابد. به خلاف ظهر و غروب، که در هر شهری نسبت به

عرض و طول جغرافیایی آن فرق می کنند. همه شهرها، در عنوان ظهر و غروب، متحد

نیستند.

غیر از آیت الله سبزواری، بسیاری از معاصران، همچون: آیت الله خویی ۱۸۱، شهید صدر ۱۸۲ و ۱۸۳... به این نکته تصریح کرده اند. آیت الله خویی بعد از آن که وضعیت تکوینی ماه را تشریح می کند، می نویسد:

(و علیه فاذا كان الهلال قابلاً للرؤية في أحد النصفين حكم بأن هذه الليلة اول الشهر بالإضافة الى سكنة هذا النصف المشتركين في ان هذه الليلة ليلة لهم و ان اختلفوا من حيث مبدا لليلة و منتهاها، حسب اختلاف مناطق هذا النصف قرباً و بعداً، طولاً و عرضاً، فلا تفترق بلاد هذا النصف من حيث الإتفاق في الأفق والإختلاف في هذا الحكم لما عرفت من ان الهلال يتولد - اي يخرج القمر من تحت الشعاع - مرة واحدة (۱۸۴)

هرگاه ماه، در نیمکره قابل رؤیت باشد، حکم به ثبوت ماه نسبت به ساکنان آن، تا آن مقدار که در عنوان شب با هم شریک باشند، می شود. گرچه از جهت آغاز و پایان شب و دوری و نزدیکی، اختلاف داشته باشند. چون ماه یک مرتبه از محاق خارج می گردد و اختلاف افق در آن تغییری نمی دهد.

نظیر این سخن را شهید آیت الله صدر نیز گفته است. وی، پس از بیان وضعیت تکوینی ماه و تفاوت حرکت آن با طلوع و غروب خورشید، نظریه تعمیم را بر می گزیند و ادله شرعی را نیز مبین آن ۱۸۵ می داند.

وحدت خسوف (ماه گرفتگی)

نکته دیگری که می تواند بیانگر وضعیت تکوینی ماه و تفاوت ظهور و افول آن با

طلوع و غروب خورشید باشد، مسأله وحدت خسوف و اختلاف کسوف (خورشید

گرفتگی) است. وقتی (خسوف) روی می دهد، در همه شهرهای اسلامی قابل رؤیت

است ۱۸۵ بر خلاف (کسوف)، که به موازات اختلاف افقها در جاهای مختلف فرق می کند.

توضیح آن که: خورشید نورش ذاتی است، نه عارضی. از این روی، وقتی ماه بین

خورشید و زمین حائل می شود (کسوف) رخ می دهد. زمینیان، به سبب گوناگونی افقها،

در برخی از شهرها، آن را می بینند و در برخی دیگر نمی بینند. در حقیقت، به تعداد افقها

کسوف نیز متعدد می شود. از این روی، هنگامی که خورشید می گیرد، ممکن است در

یک افق، کسوف کلی و در افق دیگر کسوف جزئی و در سومی اصلاً کسوفی روی ندهد.

بر خلاف (خسوف)، از آن جا که نور ماه از خورشید است، وقتی زمین بین ماه و

خورشید قرار می گیرد و سایه زمین بر روی ماه می افتد. ماه تاریک به نظر می رسد و

به اصطلاح (خسوف) روی می دهد، اختلاف افقها و منظرها، تأثیری در آن ندارد و در

همه جا مردم، ماه گرفتگی را ملاحظه می کنند.

البته در شهرهای مختلف، به حسب اختلاف طول و عرض جغرافیایی آنها، خسوف

قدری تقدم و تأخر پیدا می کند، ولی اجمالاً، خسوف یک بار بیشتر پدیدار نمی شود. مثلاً

در افقی خسوف کلی است و در افق دیگری جزئی و یا در یک هنگامی دیده می شود

که مقداری از مدت انخساف گذشته است و ... در هر حال، اختلاف افق در اصل تحقق خسوف اثری ندارد. میرداماد در این زمینه می نویسد:

(و يمكن ان يقع الكسوف بالقياس الى قوم دون قوم، والشمس فوق افق كل منهما،

بخلاف الخسوف، و هي بحسب افق كل منهما، فانه انخسف عند احدهما، انخسف عند

الآخرين، و ان اختلف ساعات الأبتداء و التوسط و الأنجلاء، فيكون في بلد على مضي

ساعة من الليل و في آخر على اقل او اكثر، او يطلع منخسفاً ۱۸۷)

امکان دارد، خورشید گرفتگی، در منطقه ای و میان قومی رخ بدهد و در منطقه ای و

میان قومی رخ ندهد. در حالی که خورشید، در افق هر دو منطقه وجود دارد. بر خلاف

ماه گرفتگی (خسوف) که اگر در منطقه ای و نزد قومی رخ داد، در سرزمین دیگر و میان

قوم دیگر هم رؤیت می شود. گرچه ساعت‌های شروع و میانی و پایانی آن فرق می کند.

در یک جا مثلاً بعد از گذشت یک ساعت از شب ماه می گیرد و در دیگر جای، قبل و یا

بعد از آن، در جایی، اصلاً طلوع ماه با گرفتگی است.

سخن فوق، روشنگر آن است که در مسأله خسوف و کسوف نیز، بین حرکت ماه و

خورشید هماهنگی نیست. بر خلاف خورشید گرفتگی که در همه افقها قابل رؤیت نیست،

گرفتگی ماه، امر واحدی است و در همه افقها، با مختصر تفاوتی، رؤیت می گردد.

پس، این نیز می تواند بطلان قیاس طلوع و غروب خورشید را به حرکت ماه و رؤیت

هلال تقویت کند. همان طور که گرفتگی ماه برای همه قابل مشاهده است و در افقهای

مختلف تفاوتی نمی کند، هلال ماه نیز، برای همه شهرها و شهرهای اسلامی قابل رؤیت

است. اگر در شهری دیده شود، حکم به ثبوت رؤیت را می توان به دیگر شهرها

گسترش داد، هر چند دور باشند و یا افق آنها متفاوت باشد.

آنان که نظر به تعمیم ثبوت رؤیت هلال به دیگر شهرهای اسلامی، چه دور و چه

نزدیک دارند، برای اثبات نظر خود، به دلایلی تمسک جسته اند، از جمله:

۱. از ظاهر کتاب

(فمن شهد منكم الشهر فليصمه ۱۸۸۰...)

گفته اند: (شهود شهر)، به دو چیز محقق می گردد: رؤیت و شهادت به رؤیت. چه

خود انسان ماه را ببیند و چه از راههای معتبر شرعی، همچون: بینة برای وی رؤیت

هلال ثابت گردد. ظاهر آیه شریفه مطلق است. شهود شهر رمضان در هرکجا باشد فرقی

نمی کند. ماه رمضان، است. علامه در منتهی می نویسد:

(لنا انه يوم من شهر رمضان في بعض البلاد للرؤية، و في الثاني بالشهادة فيجب

صومه ۱۸۹ لقوله تعالى: (فمن شهد منكم الشهر فليصمه ۱۹۰).

دلیل ما آن است که در برخی از شهرها، با دیدن هلال، ماه رمضان محقق می گردد و در شهرهای دیگر که رؤیت نشده، با شهادت به رؤیت، پس روزه آن روز، بر همه واجب است، به خاطر فرموده خداوند: هر کس که این ماه را دریابد، باید که در آن روزه بدارد.

ابن قدامه از فقهای عامه نیز، برای قول به تعمیم به این آیه شریفه استدلال کرده

است:

(إذا رأى الهلال أهل بلد الزم جميع البلاد الصوم و هذا قول الليث و بعض اصحاب

الشافعی ۱۹۰... لنا قول الله تعالى (فمن شهد منكم الشهر فليصمه ۱۹۲...)

آن گاه که ماه در شهری رؤیت شد، بر مردم تمام شهرها لازم است که آن روز را روزه بگیرند. و این قول لیث و بعضی از اصحاب شافعی است ... دلیل ما، بر این فتوا،

سخن خداوند تعالی است: هر کس که این ماه را دریابد، باید که در آن روزه بدارد.

اینان، بر این نظرند که: (شهادالشهر) به معنای درک ماه و رؤیت هلال است ۱۹۲ و

افزون بر این، می گویند: آیه مطلق است و برای کسی اگر هلال ماه ثابت گردد، باید روزه بگیرد، چه دور باشد و چه نزدیک.

قبلاً اشاره شد، نزدیکی و دوری، میزان و معیار مشخصی ندارد. به اصطلاح امری

تشکیکی است. بنابراین، اگر بخواهیم در مسأله رؤیت هلال بین شهرهای اسلامی فرق

بگذاریم و بگویم رؤیت هلال برای شهرهای نزدیک حجت است و برای شهرهای دور، خیر، با توجه به این که میزان نزدیکی و دوری ضابطه معینی ندارد، مردم دچار سر در گمی می شوند و نه تنها مشکلی را حل نمی کند که بر مشکل نیز می افزاید.

پاسخ:

به دلالت آیه اشکال شده است. بسیاری از مفسران، از جمله: علامه طباطبائی ۱۹۴،

امین الاسلام طبرسی ۱۹۵، زمخشری ۱۹۶، فیض کاشانی ۱۹۷، صاحب تفسیر

نورالثقلین ۱۹۸ و صاحب تفسیر السراج المنیر ۱۹۹، بر این باورند که آیه، در مقام بیان

حکم مسافر است. (شهد) در آیه شریفه را به معنای (حضر) گرفته اند. بنابراین، (فمن

شهد منکم الشهر) یعنی هر کسی در ماه رمضان حاضر باشد و در سفر نباشد، باید

روزه بگیرد. افزون بر این، در روایاتی که در تفسیر آیه شریفه (شهدالشهر) وارد شده،

معصوم (ع) (شهد الشهر) را به معنای حضور در ماه رمضان در مقابل مسافرت گرفته

است ۲۰۰. علامه نیز، در تذکره ۲۰۱ به آیه استدلال می کند، اما دلالت آن را کافی نمی

داند. در منتهی ۲۰۲ بدان استدلال کرده ولی بر رد آن، سخنی ندارد.

۲. اطلاق روایات

دومین دلیلی که قائلان به تعمیم به آن تمسک می جویند، اطلاق روایات رؤیت، بینه و

... است.

از روایات فراوانی استفاده می شود که از راههای ثبوت هلال، بلکه راه اصلی، رؤیت است. هرگاه هلال ماه دیده شود، آغاز ماه است و باید روزه گرفت و یا اول شوال است و باید افطار کرد. از جمله این روایات، روایت منصور بن حازم است از امام صادق (ع)

که فرمود:

(صم لرؤية الهلال، وأفطر لرؤيته ۲۰۳۰۰)

با رؤیت هلال روزه بگیر و با رؤیت آن افطار کن.

همین مضمون در روایات دیگری نیز آمده است ۲۰۴. لفظ (رؤیت)، در این روایات،

مطلق است و هیچ گونه قیدی ندارد و نشان می دهد که دیدن ماه، به طور مطلق، ملاک صوم و افطار است، چه در شهر محل زندگی، چه در شهرهای همجوار و نزدیک به آن و چه در شهرهای دور.

رؤیت هلال، تنها برای بیننده هلال حجیت و اعتبار ندارد، بلکه رؤیت هلال مطلقا

معتبر است به عبارت دیگر، گاه ممکن است شخص خاصی ماه را ببیند، ولی بر آن،

کسی آگاهی نیابد و گاه شخصی ماه را ببیند و اشخاص دیگری که به صداقت بیننده

اطمینان دارند، از قول او به رؤیت هلال مطلع شوند و یا دو نفر عادل هلال ماه را ببینند

و نزد حاکم شرع به آن گواهی دهند و ۲۰۵ ...

از اطلاق (رؤیت) در این روایات به دست می آید که همه این اقسام رؤیت، اعتبار دارد و همان گونه که رؤیت برای شخص بیننده راهگشاست، برای کسانی که از رؤیت آگاهی یابند نیز، حجیت دارد. فرقی نمی کند شهری که ماه در آن دیده شده، نزدیک و هم افق شهرهایی باشد که دیگران از آن آگاهی یافته اند، یا دور باشند و مختلف الأفق. پس اگر افرادی در خراسان، هلال ماه را دیدند و مسلمانان در هندوستان مثلاً از دیدن آنان مطلع شدند، به مقتضای اطلاق این روایات، برای همه آنان آغاز ماه ثابت است. آیت الله سیدعبدالعالی سبزواری با اشاره به همین اطلاقات می نویسد:

(و مقتضی اطلاق ما تقدم من الأخبار تحقق اول الشهر فی الجميع لتعلق الحكم علی

صرف وجود الرؤیة والمفروض تحققه ۲۰۶)

اطلاق روایات اقتضا دارد که ابتدای ماه در همه سرزمینها، تحقق می یابد. زیرا حکم

ثبوت ماه به صرف رؤیت تعلق یافته است و فرض هم تحقق رؤیت است.

به دلالت این دلیل اشکال شده، زیرا مفاد این روایات (رؤیت هلال) است نه شهادت به

رؤیت و علاوه، اطلاق آنان منصرف به همان بلد محل رؤیت و یا شهرهای نزدیک به آن

است ۲۰۷.

* اطلاعات روایات بینة: همان گونه که هلال ماه، با رؤیت ثابت می شود، با شهادت

دو نفر عادل نیز ثابت می گردد. از روایات فراوانی، این معنی استفاده می شود. از جمله

هشام از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت در مورد فردی که بیست و نه روز

روزه گرفته فرمود:

(ان كانت له بينة عادلة على اهل مصرانهم صاموا ثلاثين، على رؤيته، قضي يوماً ۲۰۸)

اگر دو شاهد عادل گواهی دادند که اهل شهری سی روز روزه گرفته اند، مردم

شهری که بیست و نه روز، روزه گرفته اند، باید یک روز قضا کنند.

ظاهر روایت، اطلاق دارد و شهادت به رؤیت هلال، مطلقاً حجت است، چه محلی که

گواهان ماه را دیده اند، دور باشد و چه نزدیک، چه هم افق باشد و چه نباشد.

در روایت دیگری عبدالرحمان بن ابی عبدالله از امام صادق (ع) می پرسد: اگر روز

بیست و نهم شعبان هوا ابری بود و ما نتوانستیم ماه را ببینیم، چه کنیم؟ امام (ع)

فرمود:

(لا تصم، الا آن ترأه، فان شهد اهل بلد آخر فاقضه ۲۰۹)

روزه نگیر، مگر این که ماه را رؤیت کنی. و اگر از شهر دیگری شهادت دادند [که آن

روز رمضان بوده است] قضای آن روز را به جا بیاور.

بیا از امام از روز شک سؤال می شود، امام می فرماید:

(لا تقضه الا ان يثبت شاهدان عدلان من جميع اهل الصلاة متى كان رأس

الشهر، و قال: لا تصم ذلك اليوم الذي يقضى الا ان يقضى اهل الأمصار فان

فعلوا فصمه ۲۱۰)

قضای آن لازم نیست، مگر این که دو شاهد عادل از اهل نماز شهادت دهند که اول

ماه چه وقت بوده است.

و نیز فرمود: آن روز را قضا نکن، مگر مردمان شهرهای دیگر نیز قضا کنند. در این

صورت، روزه آن روز را بگیر.

از این دو صحیحه، فهمیده می شود که شهادت به رؤیت اول ماه را ثابت می کند.

حتی بعد از اتمام ماه رمضان و بیست و نه روز، روزه گرفتن، اگر دو شاهد عادل به

رؤیت هلال در سی روز پیش گواهی دهند، باید یک روز، روزه قضا بگیرد، زیرا معلوم

می شود که ماه رمضان یک روز، زودتر شروع شده است. در شهادت به رؤیت، فرقی

بین شهرهای نزدیک و دور، نیست، اطلاق روایات همه را بر می گیرد.

بدین مضمون، روایات دیگری نیز داریم ۲۱۱. در هیچ یک از آنها، در ثبوت هلال با

گواهی دو عادل، قید نشده که شهرها نزدیک به یکدیگر باشند و یا هم افق.

علامه در توضیح صحیحہ هشام بن حکم می نویسد:

(ع) وجوب القضاء بشهادة العدلين من جميع المسلمين و هو نص في التعميم،

قرباً و بعداً، ثم عقبه بمساواته لغيره من الأمصار و لم يعتبر (ع) القرب في ذلك (۲۱۲).

امام (ع) وجوب قضاء را به شهادت دو عادل از مسلمانان معلق کرده است و این،

صراحت در گسترش حکم رؤیت دارد و دوری و نزدیکی شهرها در آن دخالتی ندارد.

آن گاه در پی آن، حکم به یکسانی شهر محل رؤیت با دیگر شهرها کرده و اعتباری به

نزدیکی شهرها نداده است.

علامه در سخن فوق، روایت را صریح در تعمیم دانسته است. غیر از وی، فقیهان

دیگری نیز، از اطلاقات، چنین برداشتی داشته اند.

سیدعبدالاعلی سبزواری، در این باره می نویسد:

(والمנסاق منها ان شهر رمضان في جميع البلاد واحد، من حيث الكمية والعدد و

اطلاقها يشمل اتحاد الأفق و الإختلاف فيه (۲۱۳)

از این روایات استفاده می شود: ماه رمضان، در همه شهرها، از جهت مقدار و تعداد

روزها، یکی است. اطلاق این روایات، همه شهرها را در بر می گیرد، چه از نظر افق متحد

باشند و چه گونه گون، فرقی ندارد.

مولی احمد نراقی ۲۱۴، فیض کاشانی ۲۱۵، شیخ یوسف بحرانی ۲۱۶، آیت الله خویی ۲۱۷ و ... به استناد همین روایات و اطلاق آنها، به تعمیم ثبوت رؤیت هلال، به شهرهای دور، فتوا داده اند.

۳. روایات خاصه.

از برخی روایات، علاوه بر اطلاقاتی که اشاره کردیم، استفاده می شود: ثبوت هلال، محدود به شهرهای نزدیک و هم افق نیست. بلکه، همه شهرهای اسلامی را در بر می گیرد، از جمله:

محمد بن عیسی می گوید:

(کتب الیه [امام] ابو عمرو، أخبرنی یا مولای الله ربما اشکل علینا هلال شهر رمضان، فلانراه و نری السماء، لیست فیها علة، فیفطر الناس و نفطر معهم، و یقول قوم من الحسّاب قبلنا انه یری فی تلك اللیلة بعینها بمصر و فریقیة و الأندلس، فهل یجوز یا مولای ما قال الحساب فی هذا الباب حتی یختلف الفرض (العرض) علی اهل الأمصار فیکون صومهم خلاف صومنا و فطرهم خلاف فطرنا؟ فوق علیه السلام: لا تصومن الشک، افطر لرؤیته و صم لرؤیته ۲۱۸)

ابو عمرو، به امام (ع) نوشت: سرورم، چه بسا برای ما در هلال ماه رمضان مشکل پیش می آید و آن را نمی بینیم. در حالی که در آسمان هم مانعی از رؤیت هلال وجود ندارد. مردم افطار می کنند، ما نیز با آنان افطار می کنیم. و گروهی از منجمان پیش بینی

کرده اند که آن شب، ماه در مصر و آفریقا و اندلس، دیده می شود. آیا بر ما، رواست که از اهل حساب پیروی کنیم؟ تا این که در شهرهای گوناگون، روزه تفاوت کند؟ و در نتیجه روزه آن شهرها خلاف روزه ما باشد و فطر آنان با فطر ما فرق کند؟ امام (ع) در پاسخ نوشت: روزی که شک داری روزه نگیر. و صوم و افطارت را با رؤیت انجام بده.

نهی امام (ع)، ابو عمرو را از گرفتن روزه، بدان خاطر بوده که وی، به گفته منجمان و اهل حساب، شک داشته است و این، نشان می دهد که اگر کسی قطع و یقین داشت که در شهرهای دور، ماه رؤیت شده، می تواند از آنان پیروی کند و او نیز هماهنگ با آنان روزه بگیرد و افطار کند.

شیخ یوسف بحرانی ۲۱۹ و فیض کاشانی ۲۲۰ نیز، همین معنی را از روایت فهمیده اند.

از مجموع روایاتی که به نمونه هایی از آن اشاره کردیم، نتیجه می گیریم که رؤیت

ماه در هر کجا از کشورهای اسلامی، رخ دهد، گرچه دور، یا اختلاف در افق داشته

باشند، برای همگان حجیت دارد. زیرا روایات، مطلق ثبوت رؤیت را چه با دیدن هلال ماه

و چه با شهادت به رویت، حجت می دانند. شهادت به رویت نیز، مقید به شهرهای نزدیک نیست، همه جا را در بر می گیرد.

برخی از فقیهان، بر دلالت این روایات بر نظریه تعمیم، اشکال کرده اند و گفته اند: اطلاق آنان منحصر به شهرهای نزدیک است:

(و فيه انه يحمل على البلد المتعارف بحكم الإنصراف القطعي، اذا الشايح في الأزمنة السابقة، انّ البلاد المتقاربة كانوا يتزاورون، و كان من القليل تزاور البلاد المتباعدة ۲۲۱)

این روایات، این اشکال را دارند که به حکم انصراف قطعی، حمل می شوند بر

شهرهای نزدیک. زیرا در زمانهای قدیم، معمول بوده که مردم شهرهای نزدیک به دیدار همدیگر می رفتند و کم اتفاق می افتاد که مردم شهرهای دور، به دیدار هم بروند.

شیخ انصاری، نمی پذیرد که این روایات شهرهای دور را هم در بر بگیرند:

(و اما الأخبار منها بحکم الغلبة البلاد المتقاربة مع انّ الظاهران الإطلاق فی مقام بیان

حکم انکشاف کون یوم الشک من رمضان لا فی مقام بیان الکاشف و انه یحصل بمجرّد

رؤیته فی بلد من البلاد و لو کان فی غایة البعد، فکما لا دلالة علی الشروط المعتمدة فی

البلد من القرب والبعد، بل المراد بیان حکم الإنکشاف بعد فرض ثبوت الکاشف ۲۲۲)

به حکم غلبه، روایات، شهرهای نزدیک را شامل می شوند. علاوه، روایات، چنانکه از

ظاهر آنها بر می آید، در مقام بیان (یوم الشک) از رمضان هستند، نه در مقام بیان

کاشف و این که آغاز ماه، به مجرد دیدن هلال در یکی از شهرها، هر چند بسیار دور،

حاصل می شود. پس همان طور که این روایات، در مقام بیان شروط معتبر در بینة

نیستند و اطلاق ندارند، همچنین، دلالتی ندارند به شرایط معتبر در شهرها از جهت دوری

و نزدیکی. بلکه روایات در مقام تبیین تکلیف یوم الشک اند، پس از فرض ثبوت کاشف.

برخی دیگر از فقیهان نیز، بمانند شیخ، در این مسأله اظهار نظر کرده اند ۲۲۳. از

اشکال شیخ و آنان که چون او مشی کرده اند، آنان که نظر به تعمیم دارند پاسخ داده

اند:

(و دعوی الإنصراف الی اهل البلد، کما تری، سیما مع التصریح فی بعضها بان

الشاهدین یدخلان المصر و یخرجان، کما تقدم، فهی طبعاً تشمل الشهادة الحاصلة من

غیر البلد علی اطلاقها ۲۲۴)

ادعای انصراف روایات، به شهرهای نزدیک، سخنی است نادرست، بویژه، در برخی

از این روایات، تصریح شده: دو گواه به شهر وارد یا از شهر خارج می شوند. همان

طور که پیش از این گفته شد، این به گونه طبیعی در بر می گیرد شهادت به رؤیت را از

غیر شهر.

از این گذشته، روایات در مقام بیان هستند و بدون دلیل معتبر، اطلاق آنها را نمی توان از کار انداخت. در روایت صحیح هاشم ۲۲۵، امام (ع) شهادت را معلق کرده است به (شهر): (ان كانت له بينة عادلة على اهل مصر)، و شهر، نکره ای است شایع که در بر می گیرد تمامی شهرهای اسلامی را. تا دلیل یقین آوری در دست نداشته باشیم، نمی توانیم آن را به شهرهای نزدیک مقید کنیم.

۴. رؤیت طریق است نه موضوع

با خروج ماه از محاق و ظهور آن در افق، ماه قمری آغاز می گردد. راههای ثبوت آن، همچون: رؤیت، شیاع، بینه و ... موضوعیت ندارند، بلکه راههایی هستند که آغاز ماه را برای ما محرز می کنند. مکلف، هرگاه اول ماه را احراز کرد، باید به آن ترتیب اثر بدهد، هر چند در محل سکونت وی رؤیت نشود. بنابراین، اگر در شهری در اثر وجود ابر، مه غلیظ، گرد و غبار و ... امکان رؤیت هلال نباشد، ولی، اهل شهر از مجاری معتبر، اطمینان یابند، ماه از محاق بیرون آمده، باید ترتیب اثر بدهد.

نظیر این مسأله را فقیهان در باب (طلوع فجر صادق)، در ذیل آیه شریفه مطرح کرده

اند:

(كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود) (۲۲۶)

بخورید و بیاشامید، تا رشته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود.

(تبیین) و دیدن با چشم موضوعیت ندارد بلکه آنچه موضوعیت دارد، علم به دمیدن

صبح صادق است.

چنین است در لیالی مقرر که نور ماه غالب و سیپیده صبح، غیر قابل تشخیص.

در مسأله رؤیت هلال بسیاری برای عقیده اند که (رؤیت) فی نفسه، نه موضوعیت

دارد و نه ملاک تکلیف است. ثبوت اول ماه است که تکلیف آور است و موضوعیت دارد.

آیت الله سبزواری می نویسد:

(فکل آن صدق علیه فی الواقع ان فيه خرج القمر عن تحت الشعاع و برز، یكون ذلك

اول الشهر و يتعلق به الحكم فی الواقع والرؤية طریق محض الیه، لا ان تكون فیها

موضوعیه خاصه، كما ان سائر الطرق لها طریقیه محضه و لا موضوعیه فیها، بوجه، و

انما لم يذكر الخروج عن تحت الشعاع فی الأدلة الشرعیه، لبعده عن اذهان عامه الناس

فیكون بالنسبة الی سواد الناس من الأحالة علی المجهول، و الا فالمناط علیه، اتحدت آفاق

البلاد او اختلفت (۲۲۷).

پس هرگاه واقعاً روشن گردد که ماه از تحت الشعاع خارج شده و در افق ظاهر، اول

ماه است و حکم شرعی هم به حسب واقع به آن تعلق می گیرد؛ زیرا (رؤیت)، مانند دیگر

راههای معتبر شرعی، صرفاً، راه رسیدن به واقع است و فی نفسه موضوعیت ندارد. و

این که می بینیم این نکته در ادله شرعی ذکر نشده و خروج ماه از تحت الشعاع را به

عنوان ملاک ثبوت هلال، بیان نکرده اند، بدان جهت می باشد که در ذهن مردمان آن

عصر، چنین چیزی دور می نموده و بیان چنین راهی برای توده مردم، نوعی احاله به

مجهول بوده است وگرنه، ملاک اصلی، خروج ماه از محاق است، چه افقها متحد باشند و

چه مختلف.

به دلایل متقن علمی و علم هیئت و نجوم ثابت شده که ماه آغاز می شود با خروج

اولین جزء طرف روشن ماه از محاق و ظهور آن در افق، چه دیده بشود و چه نشود. از

این روی، اگر دو گواه عادل گواهی بدهند در شهری دیگر، هر چند دور، ماه را دیده اند،

اطمینان حاصل می شود، که ماه از تحت الشعاع خارج شده است.

فیض کاشانی در وافی، ذیل این روایت امام صادق (ع):

(لا تصم الا ان تراه، فان شهد اهل بلد آخر فاقضه ۲۲۸)

روزه نگیر مگر این که هلال را ببینی. اگر گواهی دادند اهل شهری دیگر، قضای آن را

به جای آور.

می نویسد:

(والظاهر انه لا فرق بين ان يكون ذلك البلد المشهور رؤيته فيه من البلاد القريبة من

هذا البلد او البعيدة منه، لأن بناء التكليف على الرؤية، لا على جواز الرؤية... ۲۲۹)

از ظاهر کلام امام (ع) بر می آید: در رؤیت هلال، فرقی بین شهرهای نزدیک به محل

رؤیت و شهرهای دور نیست؛ زیرا بنای تکلیف، در شریعت اسلام، بر ثبوت رؤیت ماه

است، نه روا بودن رؤیت.

مولی احمد نراقی، بر همین نظر است. وی، پس از نقل سخن علامه در منتهی ۲۳۰ و

تأیید آن، می نویسد:

(ثم الحق الذي لا محيص عنه عند الخبير، كفاية الرؤية في احد البلدين الآخر، مطلقاً،

سواء كان البلدان متقاربين او متباعدين كثيراً، لأن اختلاف حكمها موقوف على العلم

بأمرين، لا يحصل العلم بهما البتة. احدهما ان يعلم ان مبنى الصوم او الفطر على وجود

الهلال في البلد بخصوصه، و لا يكفي وجوده في بلد آخر، و ان حكم الشارع بالقضاء بعد

ثبوت الرؤية في بلد آخر، لدلالته على وجوده في هذا البلد ايضاً، و هذا مما لا سبيل اليه، لم

لا يجوز ان يكفي وجوده في بلد لسائر البلدان ايضاً مطلقاً و ثانيهما ان يعلم ان البلدين

مختلفان في الرؤية البتة، اى يكون الهلال في احدهما دون الآخر و ذلك ايضاً غير معلوم،

ان لا يحصل من الإختلاف الطولى اولعرضى الأ جواز الرؤية و وجود الهلال في احدهما

دون الاخر و اما كونه كذلك البتة، فلا، ان لعله خرج القمر عن تحت الشعاع قبل

مغربیهما ۲۳۱ ...)

حق در مسأله، خبیر، چاره ای ندارد جز پذیرش این نکته: رؤیت هلال در شهری،

برای دیگر شهرها، کفایت می کند، چه دور، چه نزدیک. زیرا گونه گونی حکم در دو

شهر، بستگی به این دارد که علم به دو امر پیدا شود، که نمی شود.

۱. محرز گردد مبنای روزه و فطر، ثبوت رؤیت هلال، در شهر محل سکونت است و

نمی شود بسنده کرد به ثبوت رؤیت در شهری دیگر و حکم شارع به قضای روزه، پس

از اثبات رؤیت در شهری دیگر، بدان جهت بوده که رؤیت هلال، در این شهر نیز، به

وقوع پیوسته است.

راهی برای پذیرش این نظر نیست، زیرا دلیلی ندارد که وجود ماه در شهری، برای

دیگر شهرها کافی نباشد.

۲. علم پیدا کند که آن دو شهر، در رؤیت هلال، اختلاف دارند. یعنی در یکی هلال

وجود دارد و در دیگری نه.

این نیز معلوم نیست. زیرا اختلاف طول و عرض جغرافیایی اقتضا می کند: در شهری

ماه دیده شود و در شهری نه.

واقعاً چنین باشد که در یکی ماه وجود داشته باشد و در دیگری نه، دلیلی نداریم،

زیرا چه بسا، هلال، پیش از غروب آفتاب، از محاق بیرون آمده باشد.

مؤیدات نظریه تعمیم

غیر مولی احمد نراقی، فقیهان معاصر نیز، به این باورند، همچون: آیات عظام: شهید

صدر، ابوالقاسم خویی ۲۳۲ و ...

افزون بر دلایلی که برای نظریه تعمیم ثبوت رؤیت هلال به دیگر شهرها، اقامه شد،

مؤیداتی بدین شرح ارائه می شود:

۱. وحدت لیلۃ القدر

از ظاهر آیه شریفه: (لیلۃ القدر خیر من الف شهر ۲۳۳) استفاده کرده اند: شب قدر در

همه شهرها، یکی است. در آن شب ارزاق و مقدرات و آجال مردم، نوشته می شود: (و

فیها یفرق کل امر حکیم امراً من عندنا ۲۳۴) اگر چنین باشد، آغاز ماه رمضان هم، در همه

شهرها، یکی است. اصلاً نمی تواند متعدد باشد، زیرا لازمه آن، تعدد شب قدر است. حال

آن که شب قدر، بیش از یک شب نیست.

آیت الله خویی می نویسد:

روزه گرفتن در روز عید فطر و قربان، به اتفاق شیعه و سنی، حرام است. بر اساس

قول به عدم تعمیم، هر کسی به افق محل خویش بخواهد روزه بگیرد و مراسم عید را

برگزار کند، لازم می آید که در روز واحدی روزه بر عده ای از مسلمانها واجب و بر

عده دیگر حرام باشد. ولی بنابر قول به تعمیم، چنین مسأله ای پیش نمی آید. این نیز،

می تواند مؤید نظریه تعمیم به حساب آید.

(فانها ظاهرة فی انها لیلة واحدة معینة، ذات احکام خاصه لكافة الناس، و جمیع اهل

العالم لا ان لكل صقع و بقعة لیلة خاصة، مغایرة لبقعة اخرى من بقاع الارض ۲۳۵)

آیه شریفه، ظاهر است در این که شب قدر، یک شب معین بیش نیست و در همان

شب، احکام ویژه آن برای تمام مردم، در سراسر عالم برنامه ریزی می شود. نه این که

هر منطقه و قطعه ای از زمین، شب قدری جدای از مناطق دیگر داشته باشد.

از روایات نیز، این مطلب استفاده می شود ۲۳۶.

آیت الله سبزواری، این روایات را متواتر دانسته است:

(و بالمتواتر الدالة علی ان لیلة القدر واحدة ۲۳۷)

روایات متواتر، دلالت دارد که شب قدر، یکی است.

در دعای قنوت نماز عید فطر و قربان می خوانیم:

(واسئلك بحق هذا اليوم الذى جعلته للمسلمين عيداً... ۲۳۸)

از این جمله مأثوره که شیخ طوسی آن را از امام صادق (ع) روایت می کند، روز عید قربان و فطر، روز مشخصی است و برای همه مسلمانان عید. واژه (هذا) بیانگر آن است تمام مسلمانان، در هر افقی که باشند، آن روز را عید می گیرند و همزمان با سر دادن ندای وحدت، عظمت، شکوه و اقتدار اسلام را تبلور می بخشند.

پس لازمه وحدت عید فطر و قربان، یکسانی اول و آخر ماه در همه شهرهای اسلامی است. آیت الله خویی می نویسد:

(و يؤكده ما ورد في دعاء صلوة يوم العيد. فانه يعلم منه بوضوح ان يوماً واحداً شخصياً يشار اليه بكلمة (هذا) هو عيد لجميع المسلمين المشتتين في أرجاء المعمورة على اختلاف آفاقها، لا لخصوص بلد دون آخر ۲۳۹)

جمله ای که در قنوت نماز عید [فطر و قربان] وارد شده است، تأیید می کند آن را [قول به تعمیم] زیرا به روشنی از آن استفاده می شود: آن روز مشخص و واحدی است که به کلمه (هذا) به آن اشاره می گردد، و برای همه مسلمانان جهان، که در قسمت‌های مختلف زمین پراکنده اند با همه اختلاف افقی که دارند، عید است، نه برای شهر خاصی.

آیت الله سبزواری و دیگران نیز، به این نکته اشاره کرده اند. ۲۴۰

۳. دعای سمات

در دعای سمات آمده:

(... و جعلت رؤیتها لجميع الناس مرءاً واحداً ۲۴۱)

و قراردادی دیدن آن را [ماه] برای همه مردمان یکسان.

این دعا را علامه مجلسی در بحارالأنوار از کفعمی در بلد الامین ۲۴۲ و جمال الأسبوع

و مصباح المتهدج ۲۴۳، از امام باقر و امام صادق (ع) روایت کرده و آن را دعایی می

شمرد در میان اصحاب، در نهایت شهرت.

از این دعا استفاده می شود که دیدن ماه در افقهای مختلف، برای همه مردم یکسان

است و این می تواند قول به تعمیم را تأیید کند؛ زیرا نشان می دهد که رؤیت هلال ماه

متعدد نیست.

شیخ محمدحسن نجفی، با توجه به نکته می نویسد:

(و ربما يؤمی الی ذلک ... قوله (ع) فی الدعاء: (و جعلت رؤیتها لجميع الناس مرءاً

واحداً ۲۴۴))

چه بسا قول امام (ع) در دعای سمات ... اشاره به همین معنی کند که رؤیت هلال

برای همه یکسان است. ظاهراً مراد از یکسان بودن رؤیت ماه برای همه مردم، حکم

رؤیت است نه خود رؤیت. بدین معنی وقتی در شهری هلال دیده شد، برای مردم

شهرهای دیگر نیز، آغاز ماه است، نه این که همه مردم جهان، در یک زمان آن را می

بینند.

آیت الله سبزواری می نویسد:

(ای من حیث الحكم بآه اذا رآه اهل بلد وجب الصوم على الجميع ۲۴۵)

یعنی از جهت حکم، بدین معنی که هرگاه اهل شهری آن را ببینند، روزه بر همه

واجب است.

۴. سیره پیامبر (ص)

شیخ طوسی و تهذیب ۲۴۶ و علامه در تذکره ۲۴۷ و منتهی ۲۴۸ و مجلسی در ملاذ

الاخبار ۲۴۹ و ... تصریح می کنند: روش پیامبر اکرم (ص) در مسأله رؤیت هلال آن بود

که وقتی دو شاهد عادل، گرچه از شهرهای دیگر، خدمت آن حضرت شهادت به رؤیت

هلال می دادند، حکم به ثبوت ماه می فرمود:

(و ما ثبت ايضاً من سنه النبي (ص) ... والحكم فيمن شهد بذلك في مصر من الأمصار

(۲۵۰...)

و از جمله سنتهای پیامبر (ص)، آن است که وقتی از شهری از شهرها در نزد وی

شهادت به رؤیت هلال می دادند، حکم به ثبوت ماه می فرمود.

کلمه (فی مصر من الأمصار) مطلق است و نشان می دهد که شهادت از شهرهای

دیگر مقید به دوری و یا نزدیکی نبوده است، بلکه به طور مطلق، در هر شهری ثابت

گردد، کافی است.

۵. علم

دستاوردهای علمی در زمینه نجوم و علوم فلکی و ستاره شناسی نیز نشان می دهد

که با خروج اولین جزء طرف روشن ماه از تحت الشعاع، ماه قمری آغاز می گردد و در

این حالت، هلال ماه در قسمتهای زیادی از کره زمین و تا فاصله ای که اختلاف افق بین

آنها بیش از نه ساعت نباشد و یا به گونه ای نباشد که شب و روز تفاوت کند، برای

مردم قابل رؤیت است.

شهید صدر ۲۵۱، آیت الله خویی ۲۵۲، آیت الله سبزواری ۲۵۳، میرداماد ۲۵۴ به این

نکته اشاره کرده اند و همچنین برخی از علمای عامه:

(والعلوم الفلكية تؤيد توحيد اول الشهر الشرعى بين الحكومات الاسلاميه لأن أقصى

مدة بين مطلع القمر فى أقصى بلد اسلامى و بين مطلعہ فى اقصى بلد اسلامى آخر هى

نحو ساعات فتكون بلاد الإسلام كلها مشتركة بين اجزاء من الليل ... ۲۵۵)

دانشهای فلکی بیانگر و مؤید آن است که اول ماه شرعی، بین همه حکومتها و

کشورهای اسلامی یکی باشد، زیرا حداکثر اختلاف در طلوع و غروب، بین دورترین

شهر اسلامی نسبت به دورترین شهر در جانب دیگر، حدود نه ساعت است. پس

شهرهای اسلام، همه در جزئی از شب اشتراک دارند.

۶. مذاق شرع

تأکید شرع بر اهمیت وحدت امت اسلامی و توصیه اکید پیشوایان دینی بر تعظیم

شعائر الهی و برگزاری با شکوه و عظمت مراسم عبادی سیاسی، نشان می دهد که

شارع مقدس، راضی نیست مسلمانان در امر رؤیت هلال و برگزاری مراسم عید فطر و

قربان اختلاف داشته باشند.

آیت الله سبزواری می نویسد:

(و بان عدم الاعتبار اختلاف و شقاق بين المسلمين والشارع لا يرضى بذلك و أمه

الدين (ع) لا يرضون بتفريق المسلمين، و لذلك اهتموا بالتقية اهتماماً كثيراً (۲۵۶)

مسأله نزدیکی و دوری شهرها، که مبنای قول به عدم تعمیم است، ضابطه و تعریف

مشخصی ندارد و در مورد میزان نزدیکی و دوری شهرها، آراء و نظریه های گوناگونی

ابراز شده است.

معتبر نبودن [ثبوت هلال برای همه شهرهای اسلامی] سبب می گردد که میان

مسلمانان اختلاف و پراکندگی به وجود آید. و شارع مقدس راضی به این نیست. امامان

دین (ع)، هیچ گاه راضی به تفرقه بین مسلمانان نبوده اند و از این روی، می بینیم به

مسأله تقیه فوق العاده اهمیت می داده اند.

علامه در باب استحباب استهلال، با اشاره به اهمیت حفظ وحدت و جلوگیری از

اختلاف بین مسلمانان می نویسد:

(و يستحب الرأى للهلال ليلة الثلثين من شعبان و رمضان و يطلبه ليحتاطوا بذلك

بصيامهم و يسلموا من الأختلاف ۲۵۷)

شب سی ام ماه شعبان و رمضان، استهلال مستحب است، تا در امر روزه، جانب

احتیاط را نگهداشته و از اختلاف سالم مانند.

روشن است اگر در مسأله رؤیت هلال، هر شهری بر اساس افق محل خویش عمل کند و رؤیت هلال ماه در آن شهر برای شهرهای دیگر کافی نباشد، اختلاف و تفرقه به وجود می آید و بر شکوه و عظمت مراسم عبادی سیاسی خدشه وارد می شود.

این که ائمه (ع)، شیعیان را در مسأله روزه، به هماهنگی با مردم (احتمالاً اهل سنت) فرا خوانده اند، مؤید همین نکته است.

امام باقر (ع) می فرماید:

(صم حین یصوم الناس، وأفطر حین یفطر الناس فانّ الله عزوجل جعل الأهلّة

مواقیت ۲۵۸)

هنگامی که مردم [احتمالاً اهل سنت] روزه می گیرند روزه بگیر و هنگامی که آنان

افطار می کنند، افطار کن که خدای سبحان هلالهای ماه را میقات قرار داده است.

۷. عدم معیار برای دوری و نزدیکی

قبلاً اشاره شد، نزدیکی و دوری، میزان و معیار مشخصی ندارد. به اصطلاح امری تشکیکی است. بنابراین، اگر بخواهیم در مسأله رؤیت هلال بین شهرهای اسلامی فرق بگذاریم و بگویم رؤیت هلال برای شهرهای نزدیک حجت است و برای شهرهای دور،

خیر، با توجه به این که میزان نزدیکی و دوری ضابطه معینی ندارد، مردم دچار سر در گمی می شوند و نه تنها مشکلی را حل نمی کند که بر مشکل نیز می افزاید.

فیض کاشانی در ذیل حدیثی، در این باره می نویسد:

(ولعدم انضباط القرب والبعء لجمهور الناس ۲۵۹)

چون (قرب) و (بعد) برای توده مردم، ضابطه مشخصی ندارد.

غیر از مرحوم فیض، بسیاری از فقیهان به عدم انضباط نزدیکی و دوری تصریح

کرده اند که در بخش پیش، به قسمتهایی از آن اشاره کردیم.

۸. حرمت روزه در روز عید فطر و قربان

روزه گرفتن در روز عید فطر و قربان، به اتفاق شیعه و سنی، حرام است. بر اساس

قول به عدم تعمیم، هر کسی به افق محل خویش بخواهد روزه بگیرد و مراسم عید را

برگزار کند، لازم می آید که در روز واحدی روزه بر عده ای از مسلمانها واجب و بر

عده دیگر حرام باشد. ولی بنابر قول به تعمیم، چنین مسأله ای پیش نمی آید. این نیز،

می تواند مؤید نظریه تعمیم به حساب آید.

قول مشهور، که رؤیت هلال ماه را در هر شهری، برای مسلمانان همان شهر و احیاناً

شهرها و روستاهای مجاور و نزدیک آن، ملاک عمل می دانند و قابل تعمیم به دیگر

شهرهای دور نمی دانند، فروعی را در پی می آورد که فقهای چون علامه در تذکره ۲۶۰،

صاحب مدارک ۲۶۱، شهید ۲۶۲ و ... به آنها اشاره کرده اند، مثلاً: شخصی، اول ماه در

شهری بوده که هلال ماه در آن شهر شب شنبه رؤیت شده است و بعد به شهر دیگری

رفته که هلال ماه در آن جا، شب یکشنبه دیده شده است و یا به عکس، این شخص بر

اساس کدام افق باید رفتار کند؟

شهید اول می نویسد:

(لو رأى الهلال فى بلد ليلة الجمعة مثلاً ثم سافر الى بلد بعيدة شرقية قد رؤى فيها ليلة

السبت او بالعكس فانه ينتقل حكمه الى الثانى على اظهر القولين، فيصوم واحداً وثلثين و

يفطر التاسع والعشرين ۲۶۳)

اگر هلال ماه را در شب جمعه، در شهری ببیند و آن گاه به شهر دوری، در جانب

شرقی، که ماه را در شب شنبه رؤیت کره اند، مسافرت کند، یا به عکس، قول روشن تر

و واضح تر آن است که حکم شهر دوّم، در مورد وی جاری است. پس باید سی و یک

روز روزه بدارد و یا در روز بیست و نه افطار کند و عید بگیرد.

شهید، بر اساس احتمالی که خود مطرح ساخته (جواز تعمیم به بلاد غربی نه شرقی)

مثال زده است. در قول مشهور هم که به بیش از شهرهای نزدیک را حجت نمی دانند،

عیناً همین مثال مطرح می شود.

نتیجه:

از آنچه تاکنون در مورد رؤیت هلال و اختلاف افقها بحث شد، نتیجه می گیریم:

۱. در مسأله جواز تعمیم رؤیت هلال به دیگر شهرهای اسلامی، بین فقهای اسلام

اختلاف است و دو قول عمده در مسأله ابراز شده:

* قول مشهور. اعتقاد به ثبوت رؤیت هلال در شهر محل رؤیت و شهرهای مجاور و

هم افق، نه دیگر شهرها.

* قول غیر مشهور. اعتقاد به تعمیم ثبوت رؤیت هلال به تمامی شهرهای اسلامی، چه

دور و چه نزدیک، چه هم افق و چه غیر هم افق.

۲. در میان فقهای عامه نیز اختلاف است. مشهور معتقد به تعمیم هستند. ابوحنیفه و

برخی از شافعیه همچون مشهور فقهای شیعه نظر دارند.

۳. در منابع روایی، سخنی از پیامبر و ائمه (ع) در مورد شهرهای نزدیک و دور و

مسأله تعمیم و یا عدم تعمیم رؤیت هلال، وجود ندارد. آنچه هست، در مورد بیان

راههای ثبوت هلال و طرق معتبر شرعی است.

۴. نظریه تعمیم، در میان فقهای شیعه بیشتر از زمان مرحوم علامه به بعد پیدا شده

و در میان معاصرین، طرفداران بیشتری پیدا کرده است.

۵. مسأله نزدیکی و دوری شهرها، که مبنای قول به عدم تعمیم است، ضابطه و

تعریف مشخصی ندارد و در مورد میزان نزدیکی و دوری شهرها، آراء و نظریه های

گوناگونی ابراز شده است.

۶. برای نظریه مشهور، دلایلی اقامه شده که مهمترین آن، قیاس طلوع و غروب قمر،

به طلوع و غروب خورشید و مسأله اختلاف افقهاست.

۷. وضعیت تکوینی ماه و حرکت آن با حرکت زمین و طلوع و غروب خورشید، تفاوت

دارد و قیاس رؤیت هلال، به طلوع و غروب خورشید، قیاس مع الفارق است.

۸. خروج ماه از محاق، امر واحدی بیش نیست و تا فاصله ای که اختلاف افق بین

شهرها به اندازه ای نباشد که شب و روز با هم فرق کند، برای همه، با اندک تفاوتی قابل

رؤیت و برای همه آن شهرها اول ماه است.

۹. طرفداران نظریه عدم تعمیم، در میان اهل سنت نیز، برای اثبات نظر خویش دلایلی

اقامه کرده اند که مهم ترین آن، روایت کرب است که از نظر سند و دلالت، نمی شود به آن اعتماد کرد.

۱۰. طرفداران نظریه تعمیم، علاوه بر بهره گیری از وضعیت تکوینی ماه و نیز مسأله

وحدت خسوف، به اطلاق روایات و آیه شریفه استدلال کرده اند.

۱۱. افزون بر دلایلی که برای قول به تعمیم اقامه شد، به دلایلی تبرعی و مستنداتی که

بر نظریه تعمیم تأکید می کند نیز، استناد شده است.

۱. (سوره یونس)، آیه ۵.

۲. (تحریرالوسیله)، امام خمینی ج ۱/ ۴۴۰ - ۴۵۵، دارالتعارف، بیروت.

۳. (سوره بقره)، آیه ۱۸۹.

۴ و ۵. (سوره احقاف)، آیه ۵.

۶. (تحریرالوسیله)، ج ۲/ ۳۳۵.

۷. (سوره بقره)، آیه ۲۲۸؛ (تهذیب الأحکام)، محمد بن حسن طوسی، ج ۴/ ۱۷۳،

دارالتعارف، بیروت.

۸. (وسائل الشیعه)، شیخ حر عاملی، ج ۴۴/ ۱۵. داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۹. (همان مدرک)، ج ۱۸/۵۲۶؛ ج ۱۳/۱۴۳؛ ج ۱۵/۴۵۱.

۱۰. (همان مدرک)، ج ۱۸/۵۲۶؛ ج ۶/۸۲.

۱۱. (المقصود من الجمل والعقود)، نجم الدین جعفر بن حسن، معروف به محقق حلی،

تحقیق رضا استادی، چاپ شده در (الرسائل التسع) / ۳۵۰، کتابخانه آیت الله مرعشی

نجفی، قم؛ (نهایة الأحكام فی معرفة الأحكام)، علامه حلی، تحقیق سیدمهدی رجائی،

ج ۲/۴۴۰، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

۱۲. (بحار الأنوار)، محمدباقر مجلسی، ج ۵۵/۱۲۴، مؤسسه الوفاء، بیروت.

۱۳. (فقه الإمام جعفر الصادق)، محمدجواد مغنیه، ج ۲/۷۲، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.

۱۴. در همین راستا، اختلاف و ناهماهنگی در تعیین روز دهم ذیحجه و برگزاری اعمال

روز عید قربان در مراسم حج برای برخی از قائلان به عدم تعمیم و نیز گروهی از

مسلمانان، مشکلات فراوانی را ایجاد می کند. همه ساله، گرفتن مراسم جداگانه، در

روزهای قبل و یا بعد از آن، از سوی برخی از علماء علاوه بر دردها و مشقتها

فراوان برای خود آنان، اسباب اختلاف و تشتت مسلمانان و بدبینی گروهی از آنان را

پدید می آورد.

۱۵. (فتح الباری فی شرح صحیح البخاری)، ابن حجر عسقلانی، ج ۴/۱۲۳.

۱۶. (مقنعة)، شیخ مفید/ ۲۹۶، کنگره جهانی شیخ مفید.

۱۷. (شرایع الإسلام)، نجم الدین جعفر بن حسن، محقق حلی، ج ۱/۲۰۰، دارالأضواء،

بیروت.

۱۸. (المبسوط فی فقه الأمامیه)، شیخ طوسی، ج ۱/۲۶۸، المرتضویه لأحیاء الآثار

الجعفریه، قم.

۱۹. (النهاية، فی مجرد الفقه والفتاوی) شیخ طوسی/۱۵۱، دارالکتاب العربی، بیروت.

۲۰. (المهذب)، عبدالعزیز بن البراج الطرابلسی، ج ۱/۱۹۰، مؤسسه انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین، قم.

۲۱. (قیروان) نام شهر و ولایتی است در لیبی، از توابع بنغازی. ر. ک. (مراصد الأطلاع،

على أسماء الأمکنه والباق مختصر معجم البلدان لیاقوت)، صفی الدین عبدالؤمن بغدادی،

تحقیق علی محد الجاوی، ج ۳/۱۱۳۹، دارالمعرفه، بیروت؛ (فرهنگ معین)، ج ۶/۱۴۸۴

امیرکبیر، تهران.

۲۲. (الوسیله الی نیل الفضیله)، ابن حمزه، چاپ شده در (سلسله الینابیع الفقهیه)، علی

اصغر مروارید، ج ۶/۲۴۰.

۲۳. (ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد)، محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلّی،

ج ۱/۲۵۱، اسماعیلیان، قم.

۲۴. (جامع المقاصد فی شرح القواعد)، محقق کرکی، ج ۳/۹۳، مؤسسه آل البيت، قم.

۲۵. (مجمع الفایده والبرهان) مولی احمد المقدس اردبیلی، ج ۵/۲۹۴، انتشارات اسلامی، قم.

۲۶. (مدارک الأحکام فی شرح شرایع الإسلام)، محمد بن علی الموسوی العاملی، ج ۶/۱۷۱،

مؤسسه آل البيت، قم.

۲۷. (ذخیره المعاد فی شرح الأرشاد)، ملامحمد باقر سبزواری/۵۳۲، مؤسسه آل البيت،

قم.

۲۸. (تهذیب الأحكام)، شیخ طوسی، ج ۴/۱۵۴، دارالتعارف، بیروت؛ صعب، (وسایل

الشیعه)، شیخ حر عاملی، ج ۷/۲۱۰.

۲۹. (المسائل الطبریة) محقق حلی، چاپ شده در (الرسائل التسع)/۳۲۱.

۳۰. (همان مدرک)/۳۲۲.

۳۱. (مبسوط)، ج ۱/۲۶۸.

۳۲. (الدروس الشرعیة فی فقه الأمامیة)، شهید اول، ج ۱/۲۸۵، انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین، قم.

۳۳. (رساله اثنی عشریه فی الصوم)، شیخ بهایی، چاپ شده در مجله (تراثنا)،

شماره ۲/۲۰۷، سال سوم، جمادی الأولى والثانی ۱۴۰۸.

۳۴. (دروس)، ج ۱/۲۸۵.

۳۵. (مبسوط)، ج ۱/۲۶۸.

۳۶. (تذکره الفقهاء)، علامه حلی، ج ۱/۲۶۹، مکتبه المرتضویه لأحیاء الآثار الجعفریة.

۳۷. (منتهی المطلب)، علامه حلی، ج ۲/۵۹۳.

۳۸. (تحریر الأحكام)، علامه حلی، ج ۱/۸۲، مؤسسه آل البيت، مشهد.

۳۹. (ارشاد الأذهان الى أحكام الأيمان), علامه حلی, ج ۳/۱, انتشارات اسلامی, قم.

۴۰. (قواعد الأحكام), علامه حلی, ج ۱/۶۹, منشورات رضی, قم.

۴۱. (منتهی المطلب), ج ۲/۵۹۳.

۴۲. (مصباح الهدی), محمد تقی آملی, ج ۸/۳۹۳.

۴۳. (تحریر الاحکام), ج ۱/۸۲.

۴۴. (مستند الشیعه فی احکام الشریعه), مولی احمد تراقی, ج ۲/۱۳۳, کتابخانه آیت الله

مرعشی نجفی.

۴۵. (الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة), شیخ یوسف بحرانی, ج ۱۳/۲۶۶,

انتشارات اسلامی, قم.

۴۶. (وافی) محمد محسن فیض کاشانی, ج ۱۱/۱۲۰, مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع),

اصفهان.

۴۷. (مهدب الأحكام), سید عبدالأعلى سبزواری, ج ۱/۲۸۹; (مستند عروة الوثقی), آیت الله

خویی, ج ۲/۱۱۵; (الفتاوی الواضحة), شهید محمد باقر صدر, ج ۱/۶۲۰ - ۶۳۰, دارالتعارف

للمطبوعات, بیروت.

۴۸. (کتاب الطهارة), شیخ مرتضی انصاری,

۴۹. (جواهر الکلام), شیخ محمد حسن نجفی, ج ۱۶/۳۶۱, داراحیاء التراث العربی, بیروت.

۵۰. (مجمع الفائدة والبرهان), ج ۵/۲۹۱.

۵۱. (جامع المقاصد)، ج ۳/۹۳؛ (منهاج الصالحین)، ج ۱/۳۹۴؛ (تحریر الوسیله)، ج ۱/۲۹۷.

۵۲. (مستند الشیعه)، ج ۲/۱۳۳.

۵۳. (الفتاوی الواضحة)، شهید محمدباقر صدر، ج ۱/۶۲۰ - ۶۳۰.

۵۴. (مذهب الأحكام)، سید عبدالأعلى سبزواری، ج ۱۰/۲۸۳.

۵۵. (مستند عروة الوثقی) آیت الله خویی، ج ۲/۱۱۵.

۵۶. (جواهر الکلام)، ج ۱۶/۳۶۱.

۵۷. (منتهی المطلب)، ج ۲/۵۹۳.

۵۸. (تحریر الأحكام)، ج ۱/۸۲.

۵۹. (تذکره الفقهاء)، ج ۱/۲۶۹.

۶۰. (المعتبر)، محقق حلی، ج ۱/۳۱۱.

۶۱. (شرایع الاسلام)، ج ۱/۲۰۰.

۶۲. (ارشاد الأذهان)، ج ۱/۳۰۳.

۶۳. (قواعد الأحكام)، ج ۱/۶۹.

۶۴. (جامع المقاصد)، ج ۳/۹۳.

۶۵. (مسالك الأفهام)، زین الدین بن علی العاملی، الجبعی، معروف به شهید ثانی، ج ۱/۵۹.

قم، دارالهدی للطباعة والنشر.

۶۶. (مجمع الفائدة والبرهان)، ج ۵/۲۹۴.

۶۷. (مبسوط)، ج ۱/۲۶۸.

۶۸. (المناهل)، سیدمحمد مجاهد (م ۱۲۴۲). بخشی از این کتاب در سال ۱۲۷۴ و بخشی

در سال ۱۳۱۵ در تهران چاپ شده است. ولی ظاهراً قسمت (صوم) آن چاپ نشده است.

نسخه خطی آن در کتابخانه ملک به شماره ۲۹۵۱/ در فهرست ۱/۷۴۰ - ۷۴۱ و کتابخانه

مسجداعظم به شماره های ۸۱ - ۸۲، ۳۴۱ - ۳۴۲، در فهرست ۳۸۰ - ۳۹۰، ثبت شده است.

ر. ک. (مقدمه ای بر فقه شیعه) حسین مدرسی طباطبائی، ترجمه محمد آصف

فکرت/۳۲۸، مشهد، آستان قدس رضوی؛ (الذریعة)، آقابزرگ تهرانی، ج ۲۲/۳۵۲.

۶۹. (منتهی)، ج ۲/۵۹۳.

۷۰. (تحریر الأحکام)، ج ۱/۸۲.

۷۱. (مدارک الأحکام)، ج ۶/۱۷۳.

۷۲. (مبسوط)، ج ۱/۲۶۸.

۷۳. (تحریر الأحکام)، ج ۱/۸۲.

۷۴. (مشارق الشموس) حسین بن جمال الدین محمد خوانساری/۴۷۳، مؤسسه آل البیت.

۷۵. (الفقه الأسلامی و ادلته)، وهبة الزحیلی، ج ۲/۶۰۵ - ۶۱۰؛ (المغنی)، (ابن قدامه حنبلی)،

ج ۳/۷. (الفقه المنهجي)، ج ۲/۷۷؛ (مجموعه رسائل)، ابن عابدین/۲۲۹؛ (تفسیر قرطبی)،

۲/۲۹۵ (بداية المجتهد)، ج ۱/۲۸۷.

۷۶. (المغنی)، ابن قدامه حنبلی، ج ۳/۷.

۷۷. (الجامع لأحكام القرآن)، محمد بن احمد الأنصاری القرطبي، ج ۲/۲۹۵، داراحیاء التراث

العربی، بیروت.

۷۸. (بداية المجتهد)، محمد بن رشد قرطبي، ج ۱/۲۸۷، دارالمعرفة، بیروت.

۷۹. (كتاب الفقه على المذاهب الأربعة)، عبدالرحمان الجزيري، ج ۱/۵۵۰، داراحیاء التراث

العربی، بیروت.

۸۰. (مجموعه رسائل)، ابن عابدين/۲۲۹.

۸۱. (الفقه المنهجي)، ج ۲/۷۷؛ (التاج الجامع للأصول)، ج ۲/۵۷. (احیاء علوم الدین)، محمد

غزالی، ج ۱/۲۳۲.

۸۲. (تذکره الفقهاء) علامه حلی، ج ۱/۲۶۹.

۸۳. دکتر وهبه الزحیلی در (الفقه اسلامی و ادلته)، ج ۲/۶۰۹، می نویسد ابن حجر شش

قول در مسأله بیان کرده است.

۸۴. (مقنعه)، شیخ مفید/۲۹۶.

۸۵. (فتح الباری)، ج ۴/۱۲۳.

۸۶. (كتاب العين)، ج ۷/۱۲۳؛ (فرهنگ لاروس)، ج ۲/۱۹۱۱؛ (فرهنگ معین)، ج ۳/۲۲۵۹؛

(تاریخ یعقوبی)، ج ۲/۱۵۴.

۸۷. (مصباح الهدی)، محمد تقی آملی، ج ۸/۳۹۶؛ (مستمسک عروة الوثقی)، سید محسن

حکیم، ج ۸/۴۷۰.

۸۸. (مستند الشیعه)، ج ۲/۱۳۳

۸۹. (وافی)، ج ۷/۱۲۱.

۹۰. (مسالك)، ج ۱/۵۹.

۹۱. (مدارک الأحكام)، ج ۶/۱۷۲.

۹۲. (کفایة الاحکام) ۵۲/.

۹۳. (کتاب الطهارة)، شیخ انصاری، بخش صوم.

۹۴. (تذکره)، ج ۱/۲۶۹.

۹۵. (مسالك)، ج ۱/۵۹، شهید با ذکر مصادیقی از شهرهای نزدیک و دور، معیار دوری و

نزدیکی را در اختلاف و اتحاد طلوع و غروب خورشید دانسته است. وی در این زمینه

می نویسد:

(و لا ریب فی کون مثل بغداد والكوفه متقارباً و مثل خراسان والعراق والشام متباعدة،

انما الکلام فی الحدّ الذی یوجب البعد والظاهران المرجع فیہ الی اختلاف المطالع، فانها هی

الموجبة لأختلاف الرؤیة، بناء علی ما دلت علیه البراهین الاعتباریة من انّ الأرض کرویة،

فیختلف المطالع باختلاف محالها، و تطلع الكواكب علی جهاتها الشرقیة قبل طلوعها، علی

الغربیة، و كذلك الغروب. فعلى هذا یمکن ان لا یرى الهلال عند الغروب فی البلاد الشرقیة

لقربه من الشمس، ثم یرى فی تلك اللیلة فی الغربیة لتأخر غروبها، فیحصل التباعد بینهما،

الموجب للرؤیة، و هذا امر قد شهدت بالتجربة فضلاً عن البراهین)

از سخن شهید چند نکته فهمیده می شود:

۱. میزان دوری و نزدیکی، اختلاف طلوع و غروب خورشید است.

۲. کرویت زمین سبب اختلاف رؤیت است.

۳. کواکب و از جمله ماه، در شهرهای شرقی زودتر شهرهای غربی دیده می شوند و

دیرتر غروب می کنند.

۵. ممکن است ماه در شهرهای غربی دیده شود ولی در شهرهای شرقی دیده نشود.

۹۶. (میل) واحد اندازه گیری طول است. هر میل، معادل ۱۸۴۸ متر است و نیز برابر با

چهارهزار ذراع و برابر با یک سوم فرسخ ر. ک: (فرهنگ معین)، ج ۴/۴۰۴.

۹۷. (ایضاح الفوائد)، ج ۱/۲۵۲.

۹۸. (کسوف)، به معنای گرفتن خورشید است، ولی در لغت عربی به معنای ماه گرفتگی

و خورشید گرفتگی هر دو به کار می رود. ر. ک. (فرهنگ معین)، ج ۳/۲۹۷۵.

۹۹. (مصباح الهدی)، ج ۸/۳۹۲.

۱۰۰. (همان مدرک).

۱۰۱. (همان مدرک).

۱۰۲. (الفقه الأسلامی و ادلته)، ج ۲/۶۰۵، ۶۰۹.

۱۰۳. (الفقه علی المذاهب الأربعة)، ج ۱/۵۵۰؛ (التاج الجامع للأصول)، ج ۲/۵۷.

۱۰۴. (مبسوط)، ج ۱/۲۶۸.

۱۰۵. (اصباح الشیعه)، چاپ شده در (سلسله ینابیع الفقهیه)، گردآوری علی اصغر

مروارید ج ۶/۲۵۴، مؤسسه فقه الشیعه، الدار الاسلامیه.

۱۰۶. (کتاب الطهاره) شیخ انصاری، کتاب صوم.

۱۰۷. (فتح الباری)، ج ۴/۱۲۳.

۱۰۸. (تذکره)، ج ۱/۲۶۹.

۱۰۹. (فرهنگ معین)، ج ۳/۳۹۹۸.

۱۱۰. (احیاء علوم الدین)، غزالی، ج ۱/۲۳۲، دارالمعرفه، بیروت.

۱۱۱. (فتح الباری)، ج ۴/۱۲۳.

۱۱۲. (محجۀ البیضاء)، مولی محسن فیض کاشانی، ج ۲/۱۲۷.

۱۱۳. (مصباح الهدی)، ج ۸/۳۹۲.

۱۱۴. (الفقه)، سیدمحمد شیرازی، ج ۳۶/۱۹۵.

۱۱۵. (همان مدرک)، ۱۹۴.

۱۱۶. (وافی)، ج ۷/۱۲۱.

۱۱۷. (سوره بقره) آیه/۱۸۵.

۱۱۸. (الفقه)، سید محمد شیرازی ج ۳۶/۱۹۷.

۱۱۹. (تفسیرالمیزان)، علامه محمد حسین طباطبائی، ج ۲/۲۴، مؤسسه الأعلمی، بیروت؛

(مجمع البیان)، امین الاسلام طبرسی، ج ۲/۱۲۳؛ (تفسیر تبیان)، شیخ طوسی، ج ۲/۱۲۳.

۱۲۰. (فقه القرآن)، سعید بن هبة الله راوندی (م: ۵۷۳ هـ. ق.)، تحقیق سیداحمد حسینی،

ج ۱/۱۷۸، کتابخانه آیت الله نجفی، قم.

۱۲۱. (وسایل الشیعه)، شیخ حر عاملی، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۱۸۶/۷،

داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۱۲۲. (همان مدرک) / ۱۸۳.

۱۲۳. (همان مدرک) / ۱۸۲.

۱۲۴. (مرآة العقول)، مولی محمد باقر مجلسی، ج ۱۶/۲۲۹. دارالکتب الاسلامیه.

۱۲۵. (وسایل الشیعه)، ج ۷/ باب ۳ از ابواب احکام شهر رمضان.

۱۲۶. (ذخیره المعاد) / ۵۳۲.

۱۲۷. (الفقه)، سیدمحمد شیرازی ج ۳۶/۱۹۶.

۱۲۸. (مستند عروء)، ج ۲/ ۱۲۰؛ (مستمسک عروء)، ج ۸/ ۴۷۰؛ (وافی) ج ۱۱/ ۱۲۰.

۱۲۹. (وسایل الشیعه)، ج ۷/ ۱۹۲، ۲۱۸.

۱۳۰. (همان مدرک) / ۲۰۹.

۱۳۱. (وافی)، ج ۷/ ۱۲۰، پاورقی مرحوم شعرانی در مورد قول مرحوم فیض.

۱۳۲. (مستمسک عروء)، ج ۸/ ۴۷۰؛ (حدائق الناظره)، ج ۱۳/ ۲۶۵.

۱۳۳. (مستند عروء)، ج ۲/ ۱۲۰.

۱۳۴. (سوره اسراء)، آیه ۷۸.

۱۳۵. (تحریر الوسیله)، ج ۱/۱۳۶؛ (وسایل) ج ۵/۲۴۹.

۱۳۶. (طنجه) نام شهری است در ساحل دریای مغرب. ر. ک: (مرا صد الأطلاع)، ج ۲/۸۹۴.

۱۳۷. (وافی)، ج ۷/۱۲۰، پاورقی مرحوم شعرانی.

۱۳۸. (وسایل الشیعه)، ج ۳/۱۴۵.

۱۳۹. ر. ک: (الفقه)، سید محمد شیرازی، ج ۳۶/۱۹۷.

۱۴۰. (وسایل الشیعه)، ج ۷/۲۱۳.

۱۴۱. (مستند عروء)، ج ۲/۱۱۷.

۱۴۲. ر. ک: (الفقه الاسلامی و ادلته)، ج ۲/۶۰۸؛ (مغنی)، ج ۳/۷.

۱۴۳. (مصباح الهدی)، ج ۸/۳۹۵.

۱۴۴. (مستند عروء)، ج ۲/۱۱۷.

۱۴۵. (الفقه) سید محمد شیرازی ج ۳۶/۱۹۷.

۱۴۶. ر. ک: (التاج الجامع للأصول فی احادیث الرسول)، منصور علی ناصف، ج ۲/۵۷.

دار احیاء التراث العربی بیروت (الفقه الاسلامی و ادلته)، ج ۲/۶۰۸.

۱۴۷. (الفقه)، سید محمد شیرازی ج ۳۶/۱۹۷.

۱۴۸. (مستند الشیعه)، ج ۲/۱۳۳.

۱۴۹. (جواهر الکلام)، ج ۱۶/۳۶۱؛ (مستمک عروء)، ج ۸/۴۷۰.

۱۵۰. (نهایه) شیخ طوسی/۱۵۱؛ (مبسوط) شیخ طوسی ج ۱/۲۶۸.

۱۵۱. (شرايع الاسلام) محقق حلى ج ۱/۲۰۰.
۱۵۲. (تذکره)، ج ۱/۲۶۹. (منتهى) ج ۲/۵۹۳.
۱۵۳. (الأصول العامه للفقہ المقارن)، محمدتقى حکيم/۲۲۴، مؤسسه آل البيت.
۱۵۴. (مغنى) ابن قدامه ج ۳/۷.
۱۵۵. (تذکره)، ج ۱/۲۶۹.
۱۵۶. (منتهى)، ج ۲/۵۹۳.
۱۵۷. (الفقه)، ج ۳۶/۱۹۷. (ايضاح الفوائد)، ج ۱/۱۵۲.
۱۵۸. (سنن بيهقى)، ج ۴/۲۵۱، چاپ بيروت (سنن ترمذى)، ج ۳/۷۶.
۱۵۹. (سنن ترمذى)، ج ۳/۷۶.
۱۶۰. (منتهى)، ج ۲/۵۹۳.
۱۶۱. (مغنى)، ابن قدامه ج ۳/۷.
۱۶۲. (منتهى)، ج ۲/۵۹۳.
۱۶۳. (همان مدرک).
۱۶۴. (منتهى)، ج ۲/۵۹۳، (تحرير)، ج ۱/۸۲.
۱۶۵. (مستندالشيعة)، ج ۲/۱۳۳.
۱۶۶. (حدائق الناظره)، ج ۱۳/۲۶۶.
۱۶۷. (وافى)، ج ۱۱/۱۲۰.

۱۶۸. (سبل الرشاد)، سید ابوتراب خوانساری. این کتاب شرح (نجات العباد)، شیخ

محمدحسن نجفی، صاحب جواهر است. در سال ۱۳۶۴ هـ. ق. در نجف چاپ شده است.

ما به این کتاب دست نیافتیم ولی صاحب مستند و مرحوم آملی و دیگران قول به تعمیم

را به وی نسبت داده اند.

۱۶۹. ر. ک: (مذهب الأحكام)، ج ۱۰/۲۸۸. (مصباح الهدی)، ج ۸/۳۹۴. (مستند عروه)،

ج ۲/۱۱۶.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در (الذریعة)، ج ۱۴/۱۰۰ و در (طبقات اعلام الشيعة)، قرن

چهاردهم، ج ۱/۲۷، از این کتاب یاد کرده است. حسین مدرسی طباطبائی این کتاب را به

عنوان شرح نجات العباد مرحوم صاحب جواهر ذکر کرده است. ر. ک. (مقدمه ای بر فقه

شیعه) ۳۴۳/ و نیز رجوع شود و در مورد قول به تعمیم به: (فقه الصادق) ۲۸۱/۸۴؛

(الفتاوی الواضحه) ج ۱/۶۲۰ - ۶۳۰؛ (وافی)، ج ۱۱/۱۲۰.

۱۷۰. (بحار الأنوار)، ج ۹۳/۳۰۶؛ (دائرة المعارف القرن العشرين)، محمد فرید وجدی،

ج ۷/۹۳۹، دارالمعرفة، بیروت؛ (الفتاوی الواضحة)، ج ۱/۶۲۰ - ۶۳۰.

۱۷۱. (سوره بقره) آیه ۱۸۹.

۱۷۲. (بحار الأنوار)، ج ۵۵/۱۵۱، ۱۵۲.

۱۷۳. (همان مدرک)، ج ۸۷/۱۰۷.

۱۷۴. (تحقیقات اسلامی)، نشریه بنیاد دایرة المعارف اسلامی، سال هفتم، شماره ۱، سال

۱۳۷۱ مقاله آقای ماشاء الله علی احیایی.

۱۷۵. (الفتاوی الواضحة)، ج ۱/۶۲۰ - ۶۳۰.

۱۷۶. (دائرة المعارف القرن العشرين)، فرید وجدی، ج ۱/۱۸۱.

۱۷۷. (وسایل الشیعة)، ج ۳/۱۴۵.

۱۷۸. (مذهب الأحكام)، ج ۱۰/۲۸۷.

۱۷۹. بر همین اساس، برخی تا فاصله ای که اختلاف افق بیش از نه ساعت نباشد، رؤیت

هلال را تعمیم داده اند و برخی دیگر، این میزان را حتی تا ده ساعت نیز ذکر کرده اند.

ظاهراً منظور همه این است که تا هنگامی که به گونه ای نباشد که شب و روز آن

شهرها، با هم فرق کند. ر. ک. (الفقه الاسلامی و ادلته)، ج ۲/۶۲۰ (وافی)، ج ۱۱/۱۲۰.

۱۸۰. (مذهب الأحكام)، ج ۱۰/۲۸۸.

۱۸۱. (مستند عروة)، ج ۲/۱۱۷.

۱۸۲. (الفتاوی الواضحة)، ج ۱/۶۲۶.

۱۸۳. (مستند الشیعه)، نراقی، ج ۲/۱۳۳.

۱۸۴. (الفتاوی الواضحة)، ج ۱/۶۲۷، ۶۲۸.

۱۸۵. (دائرة المعارف القرن العشرين)، ج ۷/۹۴۲.

۱۸۶. (شرح الصحیفة الكاملة السجادیة)، میرداماد، تحقیق سید مهدی رجایی/۳۷۰،

اصفهان، مهدیه میرداماد.

۱۸۷. (سوره بقره)، آیه ۱۸۵.

۱۸۸. (منتهی)، ج ۲/۵۹۲؛ (تذکره)، ج ۱/۲۶۹.

۱۸۹. (سوره بقره)، آیه ۱۸۵.

۱۹۰. (مغنی)، ابن قدامه ج ۳/۷.

۱۹۱. (سوره بقره)، آیه ۱۸۵.

۱۹۲. (المنار)، محمد رشید رضا، ج ۲/۱۶۲، دارالمعرفة، بیروت.

۱۹۳. (تفسیر المیزان)، ج ۲/۲۴.

۱۹۴. (مجمع البیان)، امین الاسلام طبرسی، ج ۲/۱۲۲، دارمکتبه الحیاء، بیروت.

۱۹۵. (الکشاف)، زمخشری (م: ۵۲۸ هـ.ق.)، ج ۱/۲۲۷، نشر ادب الحوزه، قم.

۱۹۶. (تفسیر صافی)، مولی محسن فیض کاشانی، ج ۲/۲۰۲، مؤسسه اعلمی، بیروت.

۱۹۷. (تفسیر نورالثقلین)، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تحقیق سیدهاشم

رسولی محلاتی، ج ۱/۱۶۸، اسماعیلیان، قم.

۱۹۸. (تفسیر السراج المنیر)، الخطیب الشربینی، ج ۱/۱۲۰، دارالمعرفة، بیروت.

۱۹۹. (تفسیر نورالثقلین)، ج ۱/۱۶۸.

۲۰۰. (تذکره)، ج ۱/۲۶۹.

۲۰۱. (منتهی)، ج ۲/۵۹۲.

۲۰۲. (وسائل الشیعه)، ج ۷/۱۸۳.

۲۰۳. (همان مدرک) / ۱۸۱.

۲۰۴. (مهذب الأحكام), ج ۱۰ / ۲۸۴.

۲۰۵. (همان مدرک) / ۲۸۹.

۲۰۶. (وافی), ج ۱۱ / ۱۲۰, پاورقی مرحوم شعرانی.

۲۰۷. (وسایل الشیعة), ج ۷ / ۱۹۲.

۲۰۸. (همان مدرک) / ۱۸۳.

۲۰۹. (همان مدرک) / ۲۱۱.

۲۱۰. (همان مدرک) / ۱۸۹.

۲۱۱. (منتهی), ج ۲ / ۵۹۳.

۲۱۲. (مهذب الأحكام), ج ۱۰ / ۲۸۵.

۲۱۳. (مستند الشیعة), ج ۲ / ۱۳۳.

۲۱۴. (وافی), ج ۱۱ / ۱۲۰.

۲۱۵. (حدائق الناضره), ج ۱۳ / ۲۶۶.

۲۱۶. (مستند عروة), ج ۲ / ۱۳۱, کتاب صوم.

۲۱۷. (فقه الصادق), ج ۸ / ۲۸۱; (مستمسک عروہ), ج ۸ / ۴۷۰.

۲۱۸. (تهذیب الأحكام), ج ۴ / ۱۵۹; (وافی), ج ۱۱ / ۱۲۳.

۲۱۹. (حدائق الناضره), ج ۱۳ / ۲۶۳.

۲۲۰. (وافی)، ج ۱۱/۱۲۳.

۲۲۱. (الفقه)، ج ۳۶/۱۹۸؛ (جواهر)، ج ۱۶/۳۶۱؛ (مجمع الفائدة والبرهان)، محقق اردبیلی،

ج ۵/۱۹۵.

۲۲۲. (کتاب الطهارة)، شیخ انصاری کتاب صوم.

۲۲۳. (مصباح الهدی)، ج ۸/۳۹۵.

۲۲۴. (مستند عروة)، ج ۲/۱۲۰.

۲۲۵. (وسایل الشیعه)، ج ۷/۱۹۲.

۲۲۶. (سوره بقره) آیه ۱۸۷.

۲۲۷. (مهذب الأحكام)، ج ۱۰/۲۸۶.

۲۲۸. (وافی)، ج ۱۱/۱۲۱.

۲۲۹. (همان مدرک).

۲۳۰. (منتهی)، ج ۲/۵۹۲.

۲۳۱. (مستند الشیعه)، ج ۲/۱۳۳.

۲۳۲. (ر. ک: (مستند عروة)، ج ۲/۱۱۷؛ (الفتاوی الواضحة)، ج ۱/۶۲۳.

۲۳۳. (سوره قدر)، آیه ۲.

۲۳۴. (سوره دخان)، آیه ۴، ۵.

۲۳۵. (مستند عروة)، ج ۲/۱۲۲.

۲۳۶. (وسایل الشیعة)، ج ۲۶۲/۷، ۲۶۳.

۲۳۷. (مذهب الأحكام)، ج ۲۸۹/۱۰؛ (فقه الصادق)، ج ۲۸۰/۸.

۲۳۸. (تهذیب الاحكام)، شیخ طوسی، ج ۱۳۳/۳.

۲۳۹. (مستند عروءة)، ج ۱۲۲/۲، کتاب صوم؛ (مذهب الأحكام)، ج ۲۸۹/۱۰.

۲۴۰. (مستند عروءة).

۲۴۱. (بحار الأنوار)، ج ۹۶/۸۷ - ۱۰۸.

۲۴۲. (بلد الأمين) کفعمی/۹۱.

۲۴۳. (مصباح المتهدج) کفعمی/۲۹۲.

۲۴۴. (جواهر)، ج ۳۶۱/۱۶.

۲۴۵. (مذهب الأحكام)، ج ۲۸۹/۱۰.

۲۴۶. (تهذیب)، ج ۱۵۵/۴.

۲۴۷. (تذكرة)، ج ۲۶۸/۱.

۲۴۸. (منتهی)، ج ۵۸۷/۲.

۲۴۹. (ملاذ الأخیار)، ج ۴۴۹/۶.

۲۵۰. (تهذیب)، ج ۱۵۵/۴.

۲۵۱. (الفتاوی الواضحة)، ج ۶۲۰/۱.

۲۵۲. (مستند عروءة)، ج ۱۱۸/۲.

۲۵۳. (مذهب الأحكام), ج ۱۰/۲۸۶.

۲۵۴. (شرح صحیفه سجادیه), میرداماد/۳۴۲.

۲۵۵. (الفقه الأسلامی و ادلته), ج ۲/۶۱۰.

۲۵۶. (مذهب الأحكام), ج ۱۰/۲۸۹.

۲۵۷. (منتهی), ج ۲/۵۹۰.

۲۵۸. (وسایل الشیعة), ج ۷/۲۱۲.

۲۵۹. (تهذیب الاحکام), ج ۴/۱۵۷; (وافی), ج ۱۱/۱۲۰.

۲۶۰. (تذکره), ج ۱/۲۶۹.

۲۶۱. (مدارک), ج ۶/۱۷۳.

۲۶۲. (مسالك), ج ۱/۵۹.

۲۶۳. (دروس), ج ۱/۲۸۶.

كاوشی نو در فقه اسلامی - شماره ۲ ص ۲۲۹